صوفیانه جنگل

موسسه شمیم جنگل ایران

تیرماه ۱۳۹۹

به‌نام نقشبند صفحه‌ی خاک

صوفیانه جنگل؛

مروری بر دیدگاه‌های زنده‌یاد دکتر محمد پیرصوفی املشی در ارتباط با سیاست جنگل

به کوشش:

احمد بیرانوند، محمد عسگری، لیلا اسکندری، شاهرخ جباری ارفعی و ناهید رزاق پور

(همکاران موسسه شمیم جنگل ایران)

پیام تسلیت پروفسور کرات مدیر گروه سیاست جنگل و حفاظت طبیعت دانشگاه گوتینگن آلمان

Georg-August-Universität
Göttingen

Chair Group of Forest and
Nature Conservation Policy

Chair of Forest and Nature Conservation Policy, · Büsgenweg 3 · 37077 Göttingen

Head:
Prof. Dr. Max Krott
Büsgenweg 3
37077 Göttingen

Secretariat
Heike Zapf
Tel.:+49(0)551/39-33412
Fax +49 (0)551/39-33415
fona@gwdg.de

Göttingen, 05.07.2020

Dear colleagues and students of Mohammad Pirsoufi,

We feel very sad that Mohammad Pirsoufi passed away so early due to Covid 19.

Mohammad Pirsoufi was open and interested in new approaches in forest policy analysis. He studied them deeply and critically. Based on this deep understanding of policy analysis he was able to apply central concepts to the practice in forestry and nature conservation in Iran.

Mohammad Pirsoufi was a bridge builder between western policy research and the traditional approaches in Iran in forestry sciences. We trust that his students will carry on this challenging task to develop forest policy analysis.

I express my heart-felt condolence to his family, his colleagues and students

Sincerely yours,

UNIV.-PROF. DR. MAX KROTT
Professur für Forst- und
Naturschutzpolitik
Büsgenweg 3 · D-37077 Göttingen
Tel. *551/3933411 Fax *551/3933415
Email: mkrott@gwdg.de

Prof. Max Krott

Büsgenweg 3
37077 Göttingen

Tel. +49 (0)551 / 39-33412
Fax +49 (0)551 / 39-33415

fona@gwdg.de
www.forst.uni-goettingen.de

خلاصه

شـادروان دکتر محمد پیرصـوفی از معدود دانش‌آموختگان جنگل کشـور بودند که به‌طور تخصـصـی به سـیاسـت جنگل پرداخته‌اند. زمینه‌های کاری و تجربی عمر پربار و کوتاه ایشـان نیز در این راه به غنای دانش او افزود. متاسـفانه تقدیر چنین بود که جامعه از نعمت دانش و خدمات ایشان محروم مانده، حتی رساله دکترای ایشان علیرغم شش سال کار و نهایی‌شده، به ارائه نرسد.

به‌پاس گرامیداشت شادروان محمد پیرصوفی، موسسه شمیم جنگل ایران بر آن شده است که در چهلمین روز درگذشت ایشـان؛ مروری بر آثار این همکار، مشـوق و یاور موسـسـه داشـته؛ دیدگاه‌های ایشـان درباره سـیاسـت جنگل را گردآوری و استخراج نماید.

در جستجوی آثار محمد پیرصوفی؛ حدود بیست سند اعم از مقاله؛ مشاوره در پایان‌نامه‌ها، همکاری در تهیه اسناد پژوهشی، سخنرانی و گفتگو گردآوری‌شده و مورد مرور و بررسی قرارگرفته است. در این بررسی کوتاه، موارد و نکات محوری این آثار به شرح زیر استخراج شده است:

الف) برنامه ملی جنگل؛

ب) تحلیل گفتمان سیاست جنگل با استفاده ازنظریه‌های علمی؛

ج) توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در سیاست جنگل؛

د) توجه به آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در سیاست‌گذاری؛

الف) تهیه برنامه ملی جنگل

یکی از دغدغه‌های محمد پیرصوفی، تهیه **برنامه ملی جنگل کشور** بوده است. ایشان در سال ۱۳۸۵ مقاله‌ای با عنوان «**تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی**» را در همایش آینده‌پژوهشی، فناوری و چشم‌انداز توسعه، تهران – دانشگاه صنعتی امیرکبیر ارائه کرده است. وی در این مقاله، ضرورت‌های ملی و تعهدات بین‌المللی کشور و فرایند تهران را از یک‌سو و ظرفیت‌های علمی و پژوهشی کشور را از سوی دیگر مورد امعان نظر قرار داده است. به باور وی، یکی از دلایل اصـــلی ادامه روند تخریب جنگل‌های کشـــور، فقدان یک برنامه بلندمدت برای این زیربخش و بالطبع عدم امکان تبعیت برنامه‌های عمرانی و توسعه از آن می‌باشد.

دکتر پیرصوفی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ در فاز مقدماتی تهیه برنامه ملی جنگل (به سفارش سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشـــور) همکاری داشـــته که گزارش آن با عنوان «**نقشـــه راه برنامه ملی جنگل جمهوری اســـلامی ایران**» در سال ۱۳۹۱ ارائه شده است. ایشان همچنان پیگیر ادامه فازهای بعدی تهیه برنامه ملی جنگل کشور از طریق نمایندگان محترم مجلس و متولیان دستگاه اجرایی بوده که متاسفانه به نتیجه نرسیده است اما وی این هدف را رها نکرده همچنان بر نحوه تهیه علمی و صحیح این برنامه تاکید داشته است.

پیرصـــوفی در آبان ۱۳۹۷ در ســـخنرانی با عنوان «**برنامه ملی جنگل جمهوری اســـلامی ایران؛ ابزاری برای کاربســـت رویکرد حکمرانی**» در ســـازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشـــور بر ضـــرورت تهیه برنامه ملی بر اســـاس اصول علمی و با مشارکت همه گرو داران (Stakeholder) تاکید کرده است.

وی در گفتگوی مشترک با رئیس شورای عالی جنگل که در آذر ۱۳۹۶ از شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران پخش‌شده است؛ دوباره بر این مسئله تاکید نموده و بیان کردند: «در برنامه بهینه‌سازی (سال ۱۳۹۲) که مصوبه هیئت‌وزیران است بندی دارد که مشخص می‌کند هر اتفاقی که در جنگل‌ها قرار است بیفتد باید زیر در قالب **برنامه ملی جنگل** باشد و دولت را موظف به تهیه برنامه ملی جنگل مدون کرده است که در کشور ما هنوز برنامه ملی مدون جنگل نداریم. ما برنامه‌ریزی جنگل و سیاست جنگل نداریم و کارهای ما شتاب‌زده و کمتر کارشناسی شده است».

ب) تحلیل گفتمان سیاست جنگل با استفاده ازنظریه‌های علمی

این مقوله اصلی‌ترین محور سخنرانی‌های دکتر پیرصوفی بوده است. به‌طوری‌که در همایش مدیریت پایدار جنگل‌های شمال (فرصت‌ها و چالش‌ها)، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس در ۱۱ اسفند ۱۳۹۵، با عنوان «تحلیل سیاست جنگل و ضرورت کاربست نظریه»؛ در همایش ملی جنگل‌های شمال ایران (گذشته، حال و آینده)، دانشگاه گیلان، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، با عنوان «رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست»؛ در کانال همراهان شمیم در ۱۸ بهمن ۱۳۹۶، با عنوان «درآمدی دیرهنگام بر سیاست جنگل»؛ در چهارمین نشست از سلسله نشست‌های علمی «اندیشگاه مهاد»، ۱۱ آبان ۱۳۹۸ در سخنرانی با عنوان «انتخاب نظریه پشتیبان برای تحلیل سیاست آمایش سرزمین»، در نشست علمی تنفس جنگل‌ها؛ چالش‌ها و راهکارها، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری در ۱۷ بهمن ۱۳۹۸، با عنوان «معرفی مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری»؛ و در مجموعه گفتگوهای گروه سیاست، شورای سیاست‌گذاری و کمیته محورهای همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر علمی کمیته‌ی تخصصی سیاست (در فضای مجازی و جلسات مرتبط) از آبان ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۳۹۹، محور اصلی سخنرانی ایشان ضرورت استفاده ازنظریه‌ها در تحلیل سیاست جنگل است.

ایشان با اشاره به این مطلب که نظریه، بن‌مایه‌ی علوم سیاسی است، بیان می‌کنند که ما در ایران از تئوری‌هایی که علم سیاست جنگل دنیا از آن‌ها استفاده می‌کند مانند ۱- تحلیل سیاست عقلایی (Rational policy analysis)؛ ۲- تحلیل سیاست نهادی (Institutional policy analysis)؛ ۳- تحلیل شبکه‌ی سیاست (Policy network analysis)؛ ۴- تحلیل ائتلاف گروه‌های حامی (Advocacy coalition analysis (ACF))؛ و ۵- تحلیل سیاست انتقادی (Critical policy analysis) اطلاعات کمی داریم. همچنین ایشان بیان می‌کنند، آنچه در **تدوین سیاست** بسیار اهمیت دارد، **تحلیل سیاست**هاست. بدون تحلیل سیاسی، مشورت دادن به سیاست‌گذاران امکان‌پذیر نیست و مبنای علمی این تحلیل‌ها نیز نظریه یا نظریه‌های غالب در تحلیل فرآیندهای سیاست‌گذاری هستند. دکتر پیرصوفی در راستای رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست در کشور مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری را ارائه دادند.

یکی دیگر از موضوعات مورد تاکید در بیشتر سخنرانی‌ها و گفتگوهای دکتر پیرصوفی به‌ویژه در سخنرانی‌هایی با موضوع «ضرورت استفاده ازنظریه‌ها در تحلیل سیاست جنگل»، تاکید بر هر سه مولفه سیاست است. ایشان در سخنرانی خود با عنوان «معرفی مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری»، بیان می‌کند: سیاست از سه عنصر **محتوا، فرآیند و ساختار** تشکیل شده است. ما در کشورمان به‌واسطه آشنایی کمی که با مقوله سیاست داریم بیشتر به محتوا می‌پردازیم، برای مثال ما به‌جای اینکه درباره تنفس، طرح خروج دام یا حالا هر مقوله سیاسی دیگری در عرصه جنگل

صحبت کنیم شایسته است که به آن ساختاری که این سیاست‌ها را مشخص می‌کند و فرآیندی که این سیاست‌ها را تعیین می‌کند بپردازیم تا شاید انشااله بتوانیم به آن طرح جایگزینی که قرار است جایگزین کارهای قبلی بشود، به‌صورت علمی دست پیدا کنیم. بر این اساس شایسته است به‌جای پرداختن صرف به «محتوا» به دو مقوله‌ی سازنده و تشکیل دهنده آن یعنی ساختار سیاست‌گذاری و فرآیند سیاست‌گذاری بپردازیم. این موضوع توسط ایشان در مجموعه گفتگوهای گروه سیاست، شورای سیاست‌گذاری و کمیته محورهای همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر علمی کمیته‌ی تخصصی سیاست (در فضای مجازی و جلسات مرتبط) از آبان ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۳۹۹، نیز بارها تکرار شدند. همچنین پیرصوفی برای تعیین محتوای سیاست، بر **مشارکت گروداران اصلی** (ساختار) و با یک فرآیند **همسازی، سازش، مصالحه** compromise تاکید داشته است.

ج) توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در سیاست جنگل

مقوله دیگری که محور سخنرانی‌های پیرصوفی بوده «توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در سیاست جنگل» است. پیرصوفی در سخنرانی با عنوان «درک جامعه از جنگل و پیامدهای ناشی از آن» در سمینار علمی، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان در خرداد ۱۳۹۱، رسانه را ابزاری برای انتقال اطلاعات به جامعه معرفی و تاکید کردند رسانه‌ها می‌توانند بر مبنای سناریوی پایندگی حرکت کنند و «جنگل رسانه» از حالت «جنگلِ نگرانی» به جنگلی با فضای منطقی‌تر تغییر کند. وی تاکید داشتند که؛ رسانه تعیین نمی‌کند که مخاطبان درباره جنگل چگونه بیندیشند بلکه تعیین می‌کند که مخاطبان درباره جنگل به چه موضوعاتی بیندیشند. ایشان در سخنرانی دیگری با عنوان «نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها» که در ۲۴ تیر ۱۳۹۶ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام دادند، عملکرد رسانه‌ها در نوع پوشش اخبار مربوط به جنگل‌ها در کشور را مورد انتقاد قرار دادند و بیان داشتند که؛ میزان انتظارات حداکثری و امکانات حداقلی در بخش جنگل نامناسب است و منفی گرایی رسانه‌ها درباره موضوع جنگل، نیازمند اصلاح است. تهیه دو کلیپ با عنوان‌های «دانش (نا؟!) بنیانی مدیریت جنگل‌های شمال»، در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ و «بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع یا ضروری؟!» در ۳ خرداد ۱۳۹۹ برای پایگاه اکو ایران؛ تصویر اقتصاد ایران از نمونه‌های فعالیت عملی زنده‌یاد دکتر پیرصوفی در جهت عمومی کردن مسئله جنگل‌هاست.

د) توجه به آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در سیاست‌گذاری

روش موردعلاقه دکتر پیرصوفی در مطالعات سیاست‌گذاری منابع طبیعی «آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری» بوده است. ایشان در مقاله «تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی- ۱۳۸۵»، استفاده از فرآیند آینده‌پژوهی را به‌طورجدی توصیه کردند. وی همچنین دریکی از نشست‌های بنیاد توسعه فردا، در سخنرانی با عنوان «ضرورت آینده‌پژوهی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار»، عدم وجود سواد سیاست‌گذاری و عدم وجود نگاه آینده‌نگری در تصمیم گیران این حوزه را ازجمله چالش‌های توسعه پایدار در کشور بیان کردند. ایشان بیان داشتند که منشاء پیدایش نگاه توسعه پایدار در جهان، وجود نگاه آینده‌نگرانه بوده است و بر ضرورت آینده‌پژوهی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار تاکید داشتند.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

مقدمه ۱
فهرست گفتگوها، سخنرانی‌ها و مقالات ۲
۱- تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی ۳
۲- درک جامعه از جنگل و پیامدهای ناشی از آن ۴
۳- تبیین تغییر خط‌مشی سیاست بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ایران با استفاده ازنظریه‌ی جریان‌های چندگانه‌ی کینگدون ۵
۴- تحلیل سیاست جنگل و ضرورت کاربست نظریه ۵
۵- رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست ۷
۶- نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها ۱۱
۷- تعیین تکلیف جنگل‌های شمال با طرح راهبردی و تنفس جنگل، مناظره با دکتر ناصر مقدسی، قائم مقام سازمان جنگل‌ها ۱۳
۸- درآمدی دیرهنگام بر سیاست جنگل ۱۴
۹- برنامه ملی جنگل جمهوری اسلامی ایران (ابزاری برای کاربست رویکرد حکمرانی) ۲۱
۱۰- ضرورت آینده‌پژوهی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار ۲۶
۱۱- انتخاب نظریه پشتیبان برای تحلیل سیاست آمایش سرزمین ۲۷
۱۲- معرفی مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری ۲۷
۱۳- مجموعه گفتگوهای گروه سیاست، شورای سیاست‌گذاری و کمیته محورهای همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر کمیته‌ی تخصصی سیاست (در فضای مجازی و جلسات مرتبط) ۳۲
۱۴- یادداشت روز جهانی جنگل ۴۳
۱۵- دانش (نا؟!) بنیانی مدیریت جنگل‌های شمال ۴۵
۱۶- بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع یا ضروری؟! ۴۵
تشکر و قدردانی ۴۷
پیوست (رزومه) ۴۸

مقدمه

دکتر محمد پیرصوفی املشی در غروب چهارشنبه، ۱۴ خرداد در بیمارستان مسیح دانشوری براثر ویروس منحوس کرونا در سن ۵۰ سالگی دیده از جهان فروبست و خانواده، دوستان، همکاران و جامعه جنگلبانی کشور را در غم فرو برد. وی در تاریخ ۱۷ خردادماه در آرامگاه دارالرحمه در شهر شیراز به خاک سپرده شد.

زنده‌یاد پیرصوفی دارای مدرک لیسانس جنگل‌داری از دانشگاه گیلان (۱۳۷۲)، کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۷) و دانشجوی دکتری سیاست جنگل از دانشگاه فنی TUD درسدن آلمان بودند. ایشان همچنین سوابق مختلفی در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، ترویجی، مشاوره‌ای و اجرایی در ارگان‌های مختلف مانند دانشگاه لرستان، دانشگاه ساری، پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات منابع طبیعی بوشهر، سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، فراکسیون محیطزیست و توسعه پایدار مجلس دهم، بنیاد توسعه فردا و موسسه شمیم جنگل داشتند. آنان که ایشان را می‌شناختند بر علم، اخلاق، ادب، نشاط، سخت‌کوشی، مهربانی، دانش، تواضع، فرهنگ و بیان جذاب و گیرایش تاکید داشتند، اما محمد پیرصوفی چهره‌ی علمی بارزی نیز در زمینه پژوهشی خود، سیاست جنگل داشت. سابقه تحصیلی و فعالیت‌های پژوهشی ایشان باعث می‌گردد تا مرور دیدگاه‌های دکتر پیرصوفی در سیاست جنگل بسیار حائز اهمیت باشد.

به این منظور فهرست گفتگوها، سخنرانی‌ها و مقالات ایشان که مرتبط با «سیاست جنگل» بودند، گردآوری و با کمترین دخالت ارائه شده است. در پایان نیز رزومه ایشان پیوست شده است.

امید است دوستداران و همفکرانش اهداف او را تا رسیدن به نتیجه مطلوب دنبال نمایند.

فهرست گفتگوها، سخنرانی‌ها و مقالات

در جدول (۱) فهرست منابع مورد استفاده ارائه شده است.

جدول ۱- فهرست گفتگوها، سخنرانی‌ها و مقالات زنده‌یاد دکتر پیرصوفی[۱]

ردیف	عنوان/ موضوع	زمان/ سال	مکان برگزاری
۱	تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی	۱ الی ۴ خرداد ۱۳۸۵	همایش آینده‌پژوهشی، فناوری و چشم‌انداز توسعه، تهران ـ دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۲	درک جامعه از جنگل و پیامدهای ناشی از آن	۱ خرداد ۱۳۹۱	سمینار علمی، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان
۳	تبیین تغییر خط‌مشی سیاست بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ایران با استفاده ازنظریه‌ی جریان‌های چندگانه‌ی کینگ دون	۱۶ دی ۱۳۹۵	ششمین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، تهران
۴	تحلیل سیاست جنگل و ضرورت کاربست نظریه	۱۱ اسفند ۱۳۹۵	همایش مدیریت پایدار جنگل‌های شمال (فرصت‌ها و چالش‌ها)، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس، نور
۵	رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست	۶ و ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶	همایش ملی جنگل‌های شمال ایران (گذشته، حال و آینده)، دانشگاه گیلان
۶	نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها	۲۴ تیر ۱۳۹۶	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷	تعیین تکلیف جنگل‌های شمال با طرح راهبردی و تنفس جنگل، مناظره با دکتر ناصر مقدسی، قائم مقام سازمان جنگل‌ها	۲۵ آذر ۱۳۹۶	سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه خبر
۸	درآمدی دیرهنگام بر سیاست جنگل	۱۸ بهمن ۱۳۹۶	کانال تلگرامی همراهان شمیم جنگل
۹	برنامه ملی جنگل جمهوری اسلامی ایران (ابزاری برای کاربست رویکرد حکمرانی)	۲۲ آبان ۱۳۹۷	سخنرانی در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور
۱۰	ضرورت آینده‌پژوهی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار	۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸	نشست‌های صمیمانه کافه آینده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (بنیاد توسعه فردا)
۱۱	انتخاب نظریه پشتیبان برای تحلیل سیاست آمایش سرزمین	۱۱ آبان ۱۳۹۸	چهارمین نشست از نشست‌های علمی اندیشگاه مهاد (بنیاد توسعه فردا) با عنوان فرایند سیاست‌گذاری عمومی و نظریه‌های آن
۱۲	معرفی مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری	۱۷ بهمن ۱۳۹۸	نشست علمی تنفس جنگل‌ها؛ چالش‌ها و راهکارها، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
۱۳	مجموعه گفتگوهای گروه سیاست، شورای سیاست‌گذاری و کمیته محورهای همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر علمی کمیته‌ی تخصصی سیاست (در فضای مجازی و جلسات مرتبط)	از آبان ۱۳۹۸ تا خردادماه ۱۳۹۹	همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور؛ تحول مدیریت، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
۱۴	یادداشت روز جهانی جنگل	۲ فروردین ۱۳۹۹	پایگاه خبری – تحلیلی زیست‌بوم
۱۵	دانش (نا؟!) بنیانی مدیریت جنگل‌های شمال	۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹	پایگاه اکو ایران؛ تصویر اقتصاد ایران
۱۶	بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع یا ضروری؟!	۳ خرداد ۱۳۹۹	پایگاه اکو ایران؛ تصویر اقتصاد ایران

[۱] در این مجموعه، از رساله دکتری پیرصوفی با عنوان «گفتمان جنگل در اینترنت» و همچنین کتاب ایشان با عنوان «سیاست جنگل و حفظ محیط‌زیست» که در دست چاپ هستند، به دلیل عدم دسترسی مطلبی ارائه نشده است.

۱- تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی

همایش
آینده‌پژوهی، فناوری
و چشم‌انداز توسعه

۱ الی ۴ خرداد ۱۳۸۵
تهران ـ دانشگاه صنعتی امیرکبیر

تبیین ضرورت تهیه برنامه ملی جنگل با استفاده از فرآیند آینده‌نگاری بمنظور دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی و اجرای تعهدات بین‌المللی

محمد پیرصوفی املشی

مدرس مدعو دانشکده‌های منابع طبیعی دانشگاه مازندران و کشاورزی دانشگاه‌لرستان

Pirsoufi@yahoo.com

چکیده

ضرورت‌های ملی و تعهدات بین‌المللی از یکسو و ظرفیت‌های علمی و پژوهشی و فرآیند تهران (Tehran Process) از سوی دیگر، سیاست گزاری در زیر بخش جنگل کشورمان را ضروری می‌سازد.همچنین اگرچه در کلیه برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و برنامه‌های توسعه پس از آن، زیربخش جنگل در نظر گرفته شده است اما یکی از دلایل اصلی ادامه روند تخریب جنگلها، فقدان یک برنامه بلندمدت برای این زیربخش و بالطبع عدم امکان تبعیت برنامه‌های عمرانی و توسعه از آن می‌باشد. این در حالی است که در فصل یازده از دستور کار ۲۱ از همه کشورها دعوت شده برنامه ملی جنگل (National Forest Program) را برای کشور خود تهیه کرده و به اجرا گذارند. کارآمدی آینده‌نگاری در تهیه جامع‌تر برنامه ملی جنگل به دلیل دارا بودن عنصر آینده‌پژوهی، می‌تواند برنامه‌ریزان کشور را به استفاده از این فرآیند در تهیه برنامه ملی جنگل جمهوری اسلامی ایران رهنمون سازد.

واژه‌های کلیدی : جنگلهای کشور، سیاست جنگل،برنامه ملی جنگل، آینده‌نگاری

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

https://www.civilica.com/Paper-FUTURING01-FUTURING01_031.html

۲- درک جامعه از جنگل و پیامدهای ناشی از آن

- ضعف بنیه مالی بخش جنگل، سیاست‌های نامناسب این بخش و طبیعت منزوی گفتمان‌های سیاسی درباره منابع طبیعی، مهم‌ترین محدودیت‌های رسانه‌های سنتی برای ورود به موضوعات مربوط به جنگل هستند.
- میزان انتظارات حداکثری و امکانات حداقلی در بخش جنگل نامناسب است، به‌طوری‌که در کشور ما به ازای هر ۱۳ هزار هکتار جنگل یک نفر جنگلبان وجود دارد در حالی ۲۶ جنگلبان در کشـــور آلمان از همین مقدار جنگل محافظت می‌نمایند.
- تجربه، فعالیت و تفریح از مهم‌ترین دلایل ورود انسان‌ها به جنگل هستند، تجربه‌های انفرادی از جنگل حس خوب تجربه کردن را در آن‌ها ایجاد می‌نماید، درحالی‌که رســـانه‌ها حس نگرانی در مورد جنگل را برای انسان‌ها تقویت می‌کنند.
- عملکرد رسـانه‌ها در نوع پوشـش اخبار مربوط به جنگل‌ها در کشـور مورد انتقاد اسـت. در مقابل هر ۱۰ خبر منفی تنها یک خبر مثبت درباره جنگل‌ها و منابع طبیعی منتشـــر می‌شـــود که البته این موضـــوع به‌نوبه خود مسـئولیت زیادی را متوجه مسـئولان، برنامه‌ریزان و متولیان منابع طبیعی برای حفظ این نعمت بزرگ ایجاد می‌کند.
- عدم درک صحیح مدیریت جنگل، نقش بسیار مهم و موثر جنگلبانان در حفظ و حراست از جنگل‌ها را نشان می‌دهد. در مقابل هر ۱۰ تجربه خوشـایند حضـور افراد در جنگل‌ها تنها یک مورد تجربه ناخوشـایند گزارش می‌شود که این موضوع نشان از لزوم اهمیت دادن به این پدیده مهم و بهره‌برداری‌های مناسب از جنگل‌ها را دارد.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

https://news.iut.ac.ir/print/587

۳- تبیین تغییر خطمشی سیاست بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ایران با استفاده ازنظریه‌ی جریان‌های چندگانه‌ی کینگدون

ششمین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار

w w w . n a c o n f . i r

تبیین تغییر خط مشی سیاست بهره برداری از جنگل های شمال ایران با استفاده از نظریه ی جریان های چندگانه ی کینگدون

عبدالحسین معقولی[1]، مجید لطفعلیان[2]، محمد پیرصوفی[3]، شاهرخ جباری[4]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده منابع طبیعی ساری

۲- دانشیار دانشکده منابع طبیعی ساری

۳- دانشجوی دکتری دانشکده فنی درسدن آلمان

٤- کارشناس ارشد شورای عالی جنگل

Email:(magholi.hossein@gmail.com)

چکیده

این تحقیق به منظور تبیین تغییر خط مشی سیاست بهره برداری از جنگل های شمال ایران با استفاده از نظریه ی جریان های چندگانه ی کینگدون در منطقه جنگلهای هیر کانی شمل ایران انجام شد. بدینصورت که طبق نظریه جریانهای چند گانه کینگدون سه جریان شامل : ۱)جریان مشکل؛ شامل اطلاعات در مورد مشکلات دنیای واقعی و اثرات مداخلات گذشته دولتمردان. ۲)جریان خط مشی؛ جامعه ای متشکل از پژوهشگران، مدافعان و سایر متخصصانی که مشکلات را تحلیل می کنند و بدیل های ممکن را فرموله می کنند؛ ۳) جریان سیاسی، متشکل از انتخابات، تغییرات مدیریتی، سیاست های انتخاباتی، فعالیت های گروه های ذی نفوذ و غیره شناسای شده وطبق آن سوالات پرسشنامه تهیه شده وبین سه گروه جامعه متخصصین و سیاسیون ومارکتینگ توزیع شد سپس پاسخ های انان طبق روش NHP مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت ونتایج نشانگر آن است که بخش سیاسیون بیشترین تاثیر را در تغییرمی‌اس‌ت ها وقوانیین در ایران داشته اند.

کلمات کلیدی: سیاست بهره برداری، نظریه کینگدون، جنگلهای هیر کانی، تغییر سیاست، قوانین جنگل.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

https://www.civilica.com/Paper-NACONF06-NACONF06_158.html

۴- تحلیل سیاست جنگل و ضرورت کاربست نظریه

دکتر پیرصوفی در همایش مدیریت پایدار جنگل‌های شمال (فرصت‌ها و چالش‌ها)، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۹۵)، در پنل «فرصت‌ها و چالش‌های سیاست‌گذاری» به‌عنوان سخنران حضور داشتند. ایشان عنوان کردند: تا قبل از اینکه درباره چیزی صحبت نشود، تبدیل به موضوعی برای خطمشی گذاری و سیاست‌گذاری نمی‌شود. ما درک انفرادی از مقوله جنگل داریم. این درک معمولا با توجه به اینکه بر اساس حواس پنج‌گانه ما شکل می‌گیرد، یک حس شوق آمیز است. وی اضافه کرد: در رسانه‌ها تنها درکی که از جنگل وجود دارد، قتل‌عام این اکوسیستم توسط اره موتوری است؛ زیرا رویه‌ای که در رسانه‌ها وجود دارد، به نحوی است که عناصر خبری در نحوه تنظیم آن بسیار موثر بوده و خبر منفی ارزش بیشتری دارد. وی اضافه کرد: در آلمان معتقدند که نگاه جوان‌ترها به اکوسیستم‌های جنگلی نگاهی کارتونی است زیرا آن‌ها باور ندارند که جنگل باید مدیریت شود.

به گفته این دانش‌آموخته جنگل، سیاست جنگل یکی از مباحث رشته جنگلداری است. برای تبیین سیاست جنگل باید از تنوع خدمات اکوسیستمی آغاز کرد؛ زیرا بخش عمده مناقشاتی که در مورد جنگل وجود دارد، به برداشت‌ها و درک متفاوت ما از جنگل مربوط می‌شود.

متاسفانه علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، دسترسی به فایل‌های این سخنرانی میسر نشد! در صورت دسترسی اضافه خواهد شد.

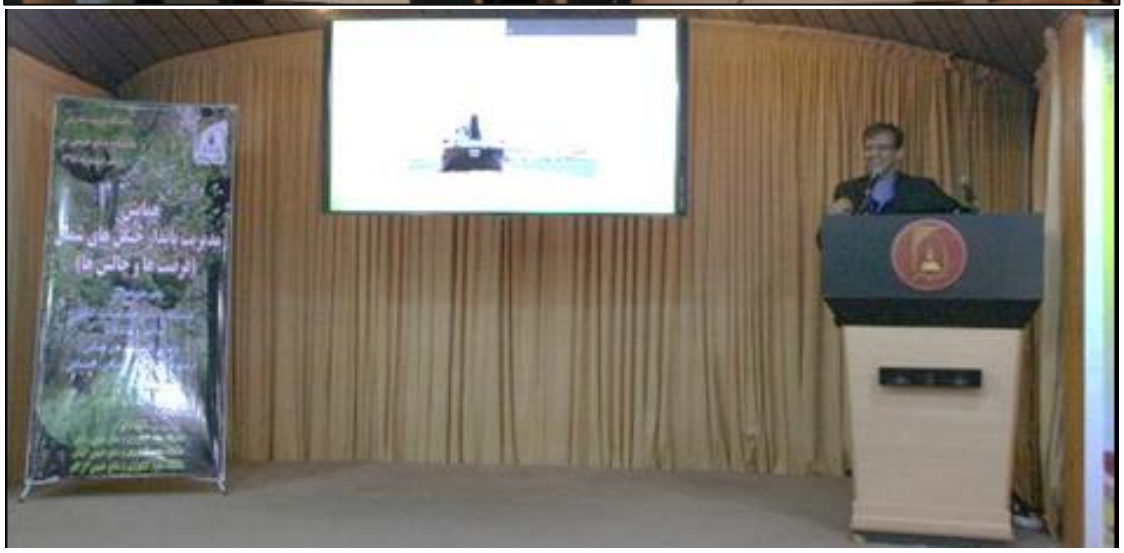

قابل دسترسی در لینک زیر:

http://www.iana.ir/fa/news/41431/

۵- رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست

اولین همایش ملی جنگل های شمال ایران
گذشته، حال، آینده
۶-۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ تالار حکمت – دانشگاه گیلان

رویکردهای نظری برای تحلیل تغییر سیاست
«با تاکید بر بند ف ماده ی ۳۸ قانون برنامه ی ششم توسعه»

محمد پیرصوفی
دانشجوی دکتری سیاست جنگل دانشگاه فنی درسدن (TU DRESDEN) آلمان

چکیده
این مقاله با هدف تحلیل و تبیین «تغییر سیاست بهره برداری از جنگلهای شمال ایران»، در یک سطح مفهومی – نظری (Conceptual- Theoretical) به «تغییر سیاست و اهمیت آن» می پردازد. در مقدمه، از منظر علم سیاست، سیاست بعنوان تنظیم کننده ی کشاکش ها (Conflicts) و سیاست جنگل بعنوان چند راهه های ناخوشایند (Polylemmas)بازتعریف می شوند. در بخش نخست مهمترین رویکردهای (Approaches) شرح دهنده ی «تغییر سیاست (Policy change) «معرفی می شوند. این رویکردها بر اساس طبقه بندی هایی (ماده ی تحقیق Main unit of analysis، تعریف تغییر سیاست Definition of policy change، مکانیسم تشریح تغییر سیاست Explanatory Mechanism، نقش بازیگران Actors و سازمانها Institutions، متدولوژی (Methodology با همدیگر مقایسه می شوند. در بخش دوم، سوابق مطالعات خارجی مربوط به تغییر سیاست در بخش جنگل مرور می شوند. با توجه به نبود یا کمبود پیشینه ی تحقیق داخلی در بخش جنگل، پیشینه ی تحقیقات مربوط به تغییر سیاست در ایران در سایر بخشها معرفی می شوند. در بخش سوم و پایانی سعی می شود بر اساس ماهیت رویکردهای شرح دهنده ی تغییر سیاست و متناسب با شرایط سیاستگذاری در کشور و در بخش جنگل، رویکرد یا رویکردهای مناسب برای تشریح و تبیین تغییر سیاست بهره برداری از جنگلهای شمال کشور و تصویب بند ف ماده ی ۳۸ قانون برنامه ی ششم توسعه شناسایی و پیشنهاد شود.

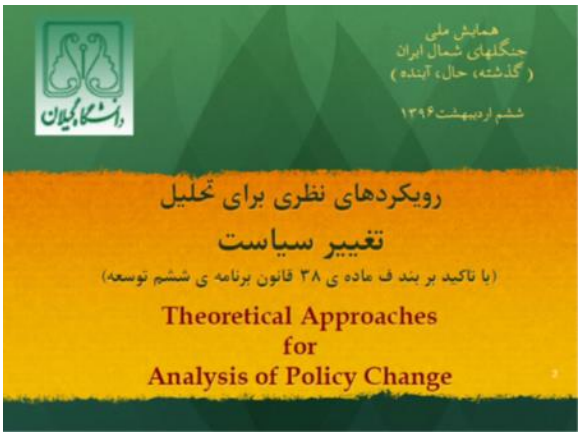

همایش
مدیریت پایدار جنگلهای شمال
(فرصت ها و چالش ها)

یازدهم اسفند ماه
۱۳۹۵

تحلیل سیاست جنگل
و
ضرورت کاربست نظریه

Forest Policy Analysis
and
Necessity of Theory Use

فهرست

۴. طرح یک سوال کلیدی
۳. رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال
۲. سوابق مطالعات
۱. مهم ترین رویکردهای تحلیل تغییر سیاست
مقدمه : سیاست و سیاست جنگل

3

حرف پایانی همایش دانشگاه تربیت مدرس:
مشورت سیاسی برای جنگلهای ایران (بویژه شمال ایران) از طریق تحلیل سیاسی؟!!!

Innovativeness-needs paradox

The person who most needs the innovation is often the last person to adopt its use. (Everett M. Rogers)

8

مشورت سیاسی از طریق تحلیل سیاسی
Policy Consulting through Policy Analysis
(Krott; 2005)

تحلیل سیاست
با / بی
کاربست نظریه

نظریه : یک (یا چند) گزاره ی فرضیه ای که بطور موقت رفتار یک پدیده را بازنمایی، توصیف، تحلیل، تبیین و تفهیم می کند.
(دانایی فرد، ۱۳۹۵)

7

مقدمه:
سیاست Policy

Policy:
① Policy محتوی
② Poity ساختار
③ Politics فرایند
(Schubert, Bandelow; 2009)

****

Purpose:
Conflict Resolution
Based on Information and Power
(Krott, 2005)

10

مقدمه:
سیاست Policy

تابلوی نصب شده در میدان جنب تالار حکمت

9

مقدمه: سیاست جنگل
چند راهه های ناخوشایند (Polylemmas)
(Dobler, 2015)

12

مقدمه: سیاست جنگل
تنوع خدمات اکوسیستمی

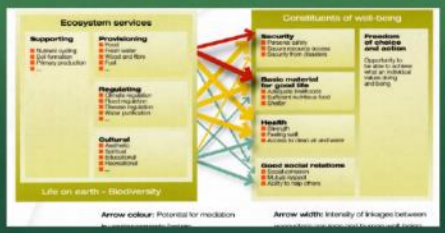

(Reid et al.; 2005)

11

مقدمه: سیاست جنگل
نظریه ی پسابه(Kielwasser Theorie)

(Glück, 1982)

13

مقدمه: سیاست جنگل
ستیز بی پایان (Streit Ohne Ende)

(Dobler, 2015)

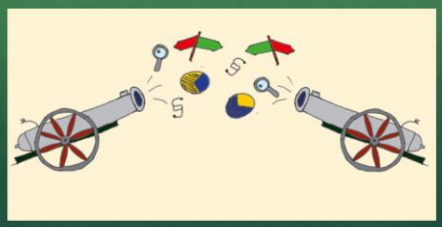

14

مقدمه: سیاست جنگل
ستیز بی پایان (Streit Ohne Ende)

15

مقدمه: تغییر سیاست
Policy Change

A large-scale social, economic and political change attributable to the interactions of people within the policy community (Sadath, Krott; 2012)

- SUBSTANTIVE:

A definitive change in action and actors

- SYMBOLIC:

would merely accommodate new ideas without actually changing any actions

16

۱. مهمترین رویکردهای تحلیل « تغییر سیاست »
Theoretical approaches for the analysis of forest **policy change/Natura 2000**

رویکرد	پیشران تغییر
Policy Paradigms انگاره های سیاسی	**انگاره های** هدف، ابزار هدایت، سامان ابزارها
Advocacy Coalition Framework چارچوب ائتلاف مدافع	**ائتلاف ها** بعنوان محمل شکل گیری سیاستها
Argumentative Discourse analysis تحلیل گفتمان استدلالی	**ائتلاف های گفتمانی** بعنوان محمل شکل گیری سیاستها
Veto player Theory نظریه بازیگر صاحب وتو	**قدرت وتو** برخی بازیگران عامل شکل گیری سیاستها

(Sotirov, Borrass, Winkel, 2011)

17

۱. مهمترین رویکردهای تحلیل « تغییر سیاست »
Theoretical approaches for the analysis of **forest policy change/ Natura 2000**

	Policy Paradigms	Advocacy Coalition Framework	Argumentative Discourse analysis	Veto player Theory
واحد اصلی تحلیل	محتوای سیاست	فرآیند سیاست بعنوان رقابت ائتلاف های سیاسی	فرآیند سیاست بعنوان جدل استدلالی	فرمول بندی و انتخاب یک تصمیم سیاسی
تعریف تغییر سیاست	تغییر محتوی (اهداف، ابزار، سامان ابزارها)	ارائه ی نوی باورها توسط یک ائتلاف در هر تنیده	تغییر زبان و نهادهای سیاسی	تغییر محتوی حقوق وضع موجود
مکانیسم تشریح تغییر	**ایده ها ، آموخته های سیاسی، گفتمان های اجتماعی**	**باورهای عمیق و ثابت سیاسی مشترک در همه اعضای یک ائتلاف**	**تفوق در ساختار و نهاد گفتمانی**	**موافقت همه ی بازیگرانی که توانایی وتو دارند**
بازیگران	تمرکز بر کارشناسان، دانشمندان، سیاستمداران	مدل بازیگری مبتنی بر شناخت و روانشناسی اجتماعی	مدل بازیگری مبتنی بر ساخت اجتماعی	مدل مبتنی بر قدرت وتوی بازیگران
سازمان ها	تاکید بسیار کم	ویژگی های نهادی رسمی یک سیستم سیاسی	قواعد و اقدامات سیاسی رسمی	نقش اصلی نهادهای رسمی سیاسی
روش شناسی	تفسیری تاریخی	نو اثبات گرایانه	تفسیری انتقادی	نو اثبات گرایانه

(Sotirov, Borrass, Winkel, 2011)

18

۲. سابقه ی تحقیق تغییر سیاست جنگل
❊ خارجی

بدون نگاه نظری از پیش موجود

کشور مورد مطالعه	سال انتشار مقاله	یافته ها
آمریکا	۲۰۰۶	جمود سیاست فدرال و تغییر سیاست بین الایالتی، سمن ها و بخش خصوصی
فیلیپین	۲۰۰۶	مطالع از توسعه دموکراسی سه دوره سیاست: غارتگرانه ۱۸۹۴ - ۱۹۷۵ ناپراضح: ۱۹۷۵ - ۱۹۸۶ مطیعیت پایدار: ۱۹۸۶ تاکنون
ویتنام	۲۰۱۲	مدیریت پایدار و ساحلی حفاظت شده از سال ۱۹۹۰
نپال	۲۰۱۴	پنج موج سیاسی: جنگلکاری: ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ مبارزکنی: ۱۹۹۰ تا کنون حفاظتی: ۱۹۹۰ تا کنون بحران سیاسی: ۲۰۰۴ - ۱۹۹۴ ترسیب کربن: ۲۰۰۷ تا کنون
اوگاندا	۲۰۱۴	ناکافی بودن جنگلداری اقتصادی

بر اساس تئوری ها یا رویکردهای موجود

کشور مورد مطالعه	سال انتشار مقاله	تئوری / رویکرد	یافته ها
بنگلادش	۲۰۱۲	مدل تحلیل برنامه سیاسی	۹۵ تغییر شناختن و ۱۱ تغییر نادرست
آلمان	۲۰۱۳	جریان های چند گانه	موفقیت سیاست جنگل در ایالت باویرا در توجه به تغییر اقلیم
غنا	۲۰۱۳	ائتلاف مدافع	توجه بیشتر به بازارهای محلی چوب
آمریکا	۲۰۱۴	چهار چوب روایتی	چهار روایت در حال تبدیل به یکدیگر: - جنگلگرین - بازاریزیع اقتصادی - بازتوزیع اقتصادی اجتماعی - قطع نادرین

19

۲. سابقه ی تحقیق تغییر سیاست
❊ داخلی

سیاست	موضوع	تئوری / رویکرد	تحقیق	یافته / یافته ها
تغییر سیاست جنگل	تغییر سیاست جنگل	جریانهای چند گانه	ستوده و همکاران دانشگاه گیلان	تایید توانایی تشریح تغییر سیاست بهره برداری
سیاست جنگل	سیاست جنگل	- چارچوب شبکه ای - تحلیل مسیر	محمدی کنگرانی، گنجه پور و همکاران	یکسان نبودن جایگاه سازمانها در شبکه های رسمی و غیر رسمی – سیاستگذاری تک بعدی منابع آب و جنگل
تغییر سایر سیاست ها	- سیاست وزارت علوم - سیاست یارانه - اصلاحات اداری	- جریانهای چند گانه / ائتلاف مدافع - چارچوب روایتی / ائتلاف مدافع - مدل اشاعه خط مشی	- عباسی و همکاران - امیری شهابی و همکاران - دانایی و همکاران	– شناسایی دو ائتلاف تولید و مصرف محور تغییر سیاست یارانه: شوک های بیرونی و درونی یادگیری از سیاست توافق مذاکره ای

۲. سابقه ی تحقیق تغییر سیاست

❊ داخلی

رویکرد شبکه ای (Network Framework):
سیاست نتیجه ی تعامل بازیگران سیاسی در شبکه هاست

مجله جنگل ایران، فصلی جنگلبانی ایران، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۲۹ تا ۱۹۲

مدل شبکه‌ای سیاست‌های منابع طبیعی در ایران
(بررسی قانون برنامه چهارم توسعه)

حناله محمدی کنگرانی*، تقی شاهبی** و دینا فتحی‌پور***

*دانشآموخته دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان
**استاد دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران
***کارشناس ارشد آموزشی، دانشگاه هرمزگان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲)

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

تغییر سیاست برای جنگلهای شمال = بند ف ماده ۳۸ قانون برنامه ی ششم

ف-

۱- هرگونه بهره‌برداری چوبی از درختان جنگلهای کشور، از ابتدای سال چهارم اجرای قانون برنامه، ممنوع می‌باشد. دولت در ارتباط با قراردادهای طرحهای جنگلداری مذکور که مدت اجرای آن به اتمام می‌رسد، مجاز به تمدید قرارداد نمی‌باشد.

تبصره- بهره‌برداری چوبی در طرحهای جنگلداری طی سالهای اول تا سوم اجرای قانون برنامه توسعه صرفاً از درختان شکسته، افتاده و ریشه‌کن در چهارچوب قوانین و مقررات نموده خواهد بود.

۲- دولت مکلف است نسبت به اصلاح آن دسته از طرحهای جنگلداری که مدت اجرای آن تا پایان سال سوم اجرای قانون برنامه به اتمام نمی‌رسد، تعیین شدت کارشناسی نموده و شدت دامنه را در بودجه سنواتی درج نماید.

تبصره۱- بهره‌برداری از درختان ریشه‌کن، شکسته، افتاده، خشک سرپا و آفتزده غیرقابل احیاء تا پیش از تصویب طرح جایگزین و حداکثر تا پایان سال سوم برنامه صرفاً با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور مجاز می‌باشد و پس از تصویب طرح جایگزین صرفاً براساس این طرح و با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور خواهد بود.

تبصره ۲- برداشت درختان جنگلی برای طرحهای عمرانی در صورت دارابودن ارزیابی زیست محیطی و شناسه (کد)شناسایی با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور بلامانع است. همچنین بهره‌برداری از درختانگرد و جنگلگردهای دست‌نخاشت بعنوان زراعت چوب با انتخابی و مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور مجاز است.

تبصره ۳- رهاسازی تحقیق بندی(۱) دولت مکلف است با اختصاص ردیف اعتباری مستقلی نسبت به پیش‌بینی اعتبارات و اعلامات در بودجه‌های سنواتی جهت ارتقاء پوشش کامل و مؤثر مناطق از جنگلهای کشور، مهار عوامل تخریب‌گر، جلوگیری از تغییر کاربری، تجاوز و تصرف مبارزه با قاچاق چوب استقرار مدیریت پایدار جنگل و اجرای بهبودات اقدام نماید.

تبصره۴- دولت مکلف است تسهیلات لازم را جهت توسعه زراعت چوب و واردات مواد اولیه صنایع مرتبط با چوب(صنوبر) در اختیار صاحبان صنایع و کشاورزان طرف قرارداد آنان قرار دهد.

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام نخست: انتخاب یک نظریه (چارچوب جریان های چندگانه کینگدون)

سوال های اصلی:

چرا تغییر خط مشی بهره برداری از جنگل های شمال ایران در دستور کار قرار گرفت ؟

چه رویدادهایی منجربه تغییر این خط مشی شد ؟

کار آفرینان خط مشی درگروه های ذی نفوذ چه نقشی در این تغییر داشتند ؟

جا به جایی ها در قوه ی مجریه چه نقشی در تغییر خط مشی داشت ؟

مسائل حوزه ی بهره برداری از جنگل های شمال چه نقشی در چنین تغییری داشت ؟

چه ایده هایی در جریان خط مشی مطرح شد ؟

چگونه این جریان ها (جریان مساله، خط مشی و سیاسی) به هم پیوند خورده اند ؟

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام دوم: انتخاب نظریه دوم (چارچوب روایت های سیاسی) برای مقایسه قدرت تحلیل آنها

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

ابعاد ضروری در رویکرد مناسب

۱. هدف گذاری	۲. ابزارها (تنظیمی، اقتصادی، اطلاعاتی)
۳. سطوح سیاسی	۴. فرآیندهای تصمیم سیاسی
۵. بازیگران دخیل	۶. نظام های نهادی
۷. ایدئولوژی ها و ایده های سیاسی	۸. علاقه های بازیگران
۹. دانش و گفتمان	۱۰. تبعات و آثار

سه گام مهم برای دستیابی به رویکرد مناسب

گام نخست	انتخاب یک نظریه
گام دوم	انتخاب نظریه ی دوم برای مقایسه ی قدرت تحلیل آنها
گام سوم	ترکیب نظریه ها بر اساس تلفیق عناصر سازگار و پر کردن خلاها

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام نخست : انتخاب یک نظریه

چارچوب جریانهای چندگانه کینگدون
Multiple Stream Framework
تلاقی سه جریان (مشکل، سیاسی، سیاست) در پنجره ی سیاست توسط کارآفرینان سیاسی
(Storch, Winkel, 2013) (عباسی و همکاران، ۱۳۸۹)

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام دوم: انتخاب نظریه دوم (چارچوب روایت های سیاسی) برای مقایسه قدرت تحلیل آنها

„Don't ask ‚What's the problem,'ask ‚What's the story?'
That way you'll find out what the problem really is."
(Neustadt, May ,1986, S. 274)

2014
280 Pages

2014
383 Pages

2014
244 Pages

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام سوم: ترکیب نظریه ها بر اساس تلفیق عناصر سازگار و پر کردن خلاها

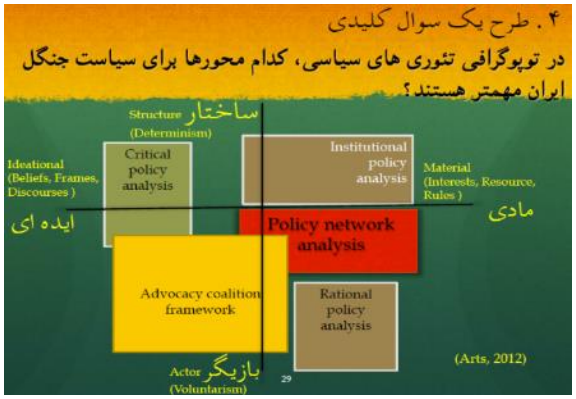

۶- نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها

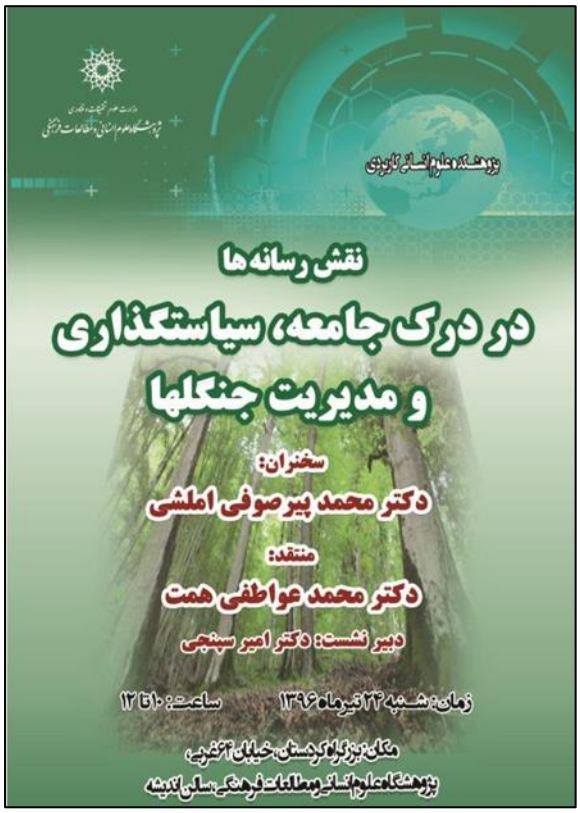

در نشست نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها مطرح شد: منفی گرایی رسانه‌ها درباره موضوع جنگل، نیازمند اصلاح است.

دانشجوی دانشگاه درسدن آلمان بر این باور است که رسانه‌ها در زمینه انتشار اخبار جنگل بیشتر به نکات منفی توجه می‌کنند درحالی‌که به‌غیراز توجه به موضوعات منفی در این حوزه، می‌توان به سایر زمینه‌ها در این اکوسیستم توجه کرد و بر مبنای سناریوی توسعه پایندگی به مقوله جنگل توجه کرد.

به گزارش خبرنگار ایانا، «نشست نقش رسانه در درک جامعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جنگل‌ها» امروز در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست محمد پیرصوفی دانشجوی دکترای سیاست جنگل در دانشگاه درسدن آلمان نقش رسانه در سیاست‌گذاری برای جنگل را موثر توصیف کرد.

وی در ابتدای سخنان خود با اشاره به تصویب طرح تنفس جنگل و دستورات اخیر وزیر جهاد کشاورزی درباره خروج پیمانکاران از جنگل و واگذاری امر حفاظت به اشخاص جدید، این شیوه تصمیم‌گیری را ناشی از عدم توجه به گفتگو برای دستیابی به سیاست‌ها و اهداف مشترک بین ذینفعان دانست. پیرصوفی افزود: در ایران استفاده از سیستم و اهرم‌های قدرت کاربرد بیشتری دارد. درحالی‌که بر اساس تعریف فائو، سیاست جنگل بر مشارکت بین ذینفعان تاکید بسیار دارد.

وی با اشاره به اینکه گفتگو به‌غیراز آنکه به‌صورت حضوری انجام می‌شود، توسط رسانه نیز قابل شکل‌گیری است، رسانه را ابزاری برای انتقال اطلاعات به جامعه معرفی کرد. این دانشجوی دانشگاه درسدن آلمان گفت: نیکلاس لومان معتقد است اگر راجع به یک موضوع مطلب نوشته نشود، اثر اجتماعی پیدا نمی‌کند. بیشترین اطلاعاتی که افراد غیرمتخصص دریافت می‌کنند از طریق رسانه‌ها است. این رسانه‌ها می‌توانند مکتوب و غیر مکتوب باشند. وی با مرور نظرات دانشمندان آلمان، دلیل اینکه موضوع جنگل در رسانه‌های سنتی ورود پیدا نمی‌کند را بی‌پولی این

بخش در مقایسه با صنعت و پزشکی دانست. پیرصوفی بیان کرد: برخی نیز معتقدند سیاست جنگل یک سیاست یکنواخت است که جاذبه خبری ندارد یا اینکه جنگل بحثی نیست که بتوان راجع به آن حرف زد و بهتر است آن را تجربه کرد.

کارشناسان حوزه جنگل در ایران معتقدند افرادی که در جنگل یک‌شب نخوابیده‌اند، چکمه به پا نکرده و محیط جنگل را از نزدیک لمس نکرده‌اند، حق اظهارنظر در این رابطه با این اکوسیستم را ندارند. این قاعده کلی شامل حال خبرنگاران حوزه جنگل نیز می‌شود اما این دانشجوی دانشگاه درسدن آلمان بر این باور است که در همه جای دنیا خبرنگارانی هستند که درباره نانوتکنولوژی مطلب می‌نویسند اما یک‌بار هم در آزمایشگاه‌های مربوطه پا نگذاشته‌اند.

به اعتقاد وی جنگل در مقایسه با تغییر اقلیم، حادثه چرنوبیل و بسیاری از مسایل دیگر در رسانه حضور پررنگی نداشته و آنچه درباره جنگل در رسانه‌ها منعکس می‌شود، قتل‌عام درختان با اره موتوری است. نگرانی درباره جنگل در رسانه‌ها به حدی توسعه‌یافته که حتی به سراغ اساطیر و افسانه‌ها هم رفته‌اند.

پیرصوفی جو غالب بر اخبار مرتبط با جنگل را جوی منفی می‌داند اما گاهی در هفته منابع طبیعی اخبار مثبت هم در رسانه‌های ایران انعکاس می‌یابد. بیشتر رسانه‌ها تمایل دارند اخبار منفی را منعکس کنند. وی تاکید کرد: رسانه‌ها می‌توانند بر مبنای سناریوی پایندگی حرکت کنند و «جنگل رسانه» از حالت «جنگلِ نگرانی» به جنگلی با فضای منطقی‌تر تغییر کند. ایشان افزود: در آلمان برای انجام هر کاری فکر می‌کنند که جامعه چگونه فکر می‌کند. درک جامعه از محیط‌زیست رصد می‌شود و تصمیم‌سازی درباره آن انجام می‌شود.

وی با اشاره به نیمه تعطیل بودن دو سازمان مردم‌نهاد انجمن جنگلبانی و جامعه جنگلبانی در ایران، از تلاش برای ایجاد تشکیلات جدید در حوزه منابع طبیعی خبر داد. پیرصوفی ذات مسایل منابع طبیعی را بسیار پرتنش دانست و گفت: با گفتگو در این حوزه می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

به گفته وی اولین کار سیاست‌گذاران جنگل باید این باشد که بدانند رسانه و سایر نهادهای تاثیرگذار بر جنگل چقدر در این اکوسیستم نقش دارند و بر اساس نقش آن‌ها، برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند. ایشان تصویر یک جنگلبان در آلمان را تصویری مثبت و مسئولیت‌پذیر توصیف کرد. این تصویر مثبت به حدی در جامعه آلمان مورد تایید است که بر اساس بررسی‌ها، بسیاری از زنان این کشور تمایل دارند با یک مرد جنگلبان ازدواج کنند. وی افزود: ازنظر مردم آلمان، جنگل بدون جنگلبان مثل کلیسای بدون کشیش، فوتبال بدون داور، قابلمه بدون در و سوسیس آلمانی بدون سس خردل است. از نگاه آن‌ها جنگلدار شخصی مسئولیت‌پذیر، به فکر آینده، الگو و سرمشق و مفید است. نگاه جامعه آلمانی به سازمان متولی مدیریت جنگل‌ها مثبت و جنگلدارها نیز افرادی مفید توصیف می‌شوند.

پیرصوفی با اشاره به نگاه منفی انسان‌ها به مقوله بهره‌برداری از جنگل، این مسئله را یک پارادوکس عمومی در سراسر جهان توصیف کرد؛ زیرا نمی‌توان استفاده از وسایل چوبی را دوست داشت اما با بهره‌برداری از جنگل مخالف بود. وی یادآور شد: رسانه تعیین نمی‌کند که مخاطبان درباره جنگل چگونه بیندیشند بلکه تعیین می‌کند که مخاطبان درباره جنگل به چه موضوعاتی بیندیشند.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

http://www.ihcs.ac.ir/file/download/news/47295.flv

۷- تعیین تکلیف جنگل‌های شمال با طرح راهبردی و تنفس جنگل، مناظره با دکتر ناصر مقدسی، قائم مقام سازمان جنگل‌ها

زنده‌یاد پیرصوفی: یکی از بندهای قانون بهینه‌سازی دولت که توسط هیئت محترم وزیران تصویب‌شده ممنوعیت چوب‌های صنعتی درختان جنگل‌های شمال است به این مفهوم که توقف بهره‌برداری می‌باشد. چقدر خوب است کارهای ما متناسب و مترادف علمی و بین‌المللی باشد. اگر ما واژه logging ban را که معادل توقف بهره‌برداری چوب از جنگل است را در گوگل جستجو کنیم نتایج حاصله از این جستجو فقط کشورهای درحال‌توسعه را به ما نشان می‌دهد و متاسفانه این بیانگر آن است که این طرح‌ها هیچ موفقیتی در آن کشورها نداشته‌اند، اما بحث من در خصوص بندهایی از قانون بهسازی است و این بسیار موضوعی ریشه‌ای است و از آنجایی‌که آقای رئیس‌جمهور روحانی فرموده‌اند که من را نقد کنید من هم قصد دارم ایشان را نقد کنم، بر این اساس که هیئت محترم وزیران که این طرح را تصویب نمودند در واقع ریاست محترم جمهور، ریاست هیئت محترم وزیران را بر عهده دارد. بحث بنده این است که در قانون بهسازی بندی وجود دارد و حاکی از آن است که هر اتفاقی که در جنگل‌های کشور بیفتد باید در آنجا مطابق با برنامه ملی جنگل رفتار کرد اما برنامه ملی جنگل نداریم، ما سیاست و برنامه جنگل نداریم و کارهای ما صرفاً ارزیابی شتاب‌زده است.

در کشور ژاپن و کره جنوبی که آقای مقدسی مثال زدند که در آنجا بهره‌برداری چوب صورت نمی‌گیرد، اما باید بدانیم که شرایط توقف بهره‌برداری در جنگل‌های کشورهای ژاپن و کره با جنگل‌های ایران کاملاً متفاوت است و ما نمی‌توانیم تکیه‌بر جایگاه بزرگان بزنیم. چند هفته پیش در صدا و سیما مستندی به نام نفس‌های آخر پخش شد، مستندی است که تعدادی از کارشناسان جنگل در آن بودند. نتیجه این مستند نشان داد که روند جنگل‌ها به سمت منفی شدن است و روند جنگل‌ها نشان می‌دهد که ما دیگر جای خطا نداریم و باید تخصصی‌تر رفتار کنیم. بنده یک مطالعه را با تعدادی از کارشناسان جنگل انجام دادم که در آن پرسشنامه‌ای از جامعه سمن‌ها، کارمندان سازمان جنگل‌ها، صاحب‌نظران و مارکت یا بازاریان چوب تکمیل‌شده که دوسوم از مصاحبه‌شونده‌ها اعتقاد به این دارد که کشورهای پیشرو که طرح توقف بهره‌برداری از جنگل‌ها را داشتند. ما به آن‌ها آگاهی نداشتیم و از آن‌ها الگو نگرفتیم و صد درصد مصاحبه‌شونده‌ها اعتقاد داشتند که الزامی خارج از سازمان ما را به سمت تصویب طرح استراحت جنگل پیش برده است و چیزی در حدود کمتر از دوسوم از مصاحبه‌شونده‌ها گفتند که الزام خارج از سازمانی به‌هیچ‌عنوان تخصصی نبوده و چهارپنجم گفتند که در این قانون، نقش نمایندگان مجلس بسیار پررنگ بوده است.

من در حدود ۸ سال در خدمت یکی از بزرگ‌ترین استادان سیاست جنگل دنیا بوده‌ام، ایشان را یک‌بار بسیار ناراحت و دغدغه‌مند دیدم، وقتی علت را از ایشان پرسیدم ایشان گفتند که در جلسه‌ای مصوب شده است که سطح حفاظتی یکی از جنگل‌های ایالتی در کشور آلمان از ۵ درصد به ۱۰ درصد افزایش پیدا کند و این یعنی از بین فرصت شغلی. حال با شرایط کشورمان، چه یک مترمکعب، چه ۱۰۰ مترمکعب و چه ۱۰۰ هزار مترمکعب چوب از جنگل خارج نماییم در واقع موظف هستیم به ایجاد فرصت‌های شغلی کمک کنیم و در توسعه‌ی پایداری که آقای مقدسی اشاره کردند، یک ضلع آن اقتصاد و بهره‌برداری است، بدون توجه به آن ما به هر راهی که برویم به بیراهه رفته‌ایم.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

https://www.irinn.ir/fa/print/549147

۸- درآمدی دیرهنگام بر سیاست جنگل

بر اساس موضوع، عرایضم به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

یک – **ادعای دیرهنگام بودن این درآمد** و دو– **سیاست جنگل**

اما شایسته است که این دو بخش یک مقدمه و یک موخره هم داشته باشد.

مقدمه: برداشت آن‌ها (غربیان) و ما (ایرانیان) از «سیاست»

موخره: معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر و پیشنهاد نگارنده برای بازنگری در تدریس درس «سیاست جنگل» در مقطع کارشناسی.

و اما مقدمه:

برای پرهیز از اطاله کلام توجه شما را به طرح جلد دو کتاب درباره‌ی سیاست‌گذاری جلب می‌کنم:

نخست کتاب «مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی» تالیف دکتر حمیدرضا ملک محمدی به فارسی که در سال ۱۳۹۵ توسط سازمان محترم مطالعه و تدوین، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی منتشر شده است و شطرنج که پیامد برد و باخت دارد را برای طرح روی جلد انتخاب کرده است. کتاب دوم که یکی از اصلی‌ترین منابع علمی سیاست جنگل به زبان آلمانی است که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است و یک تالار گفتگو را بر روی جلد دارد:

جالب است که تصاویر گوگل را در هنگام جستجوی کلمه‌ی سیاست به فارسی و دو زبان لاتین ببینیم.

در فارسی بیشترین تصاویر به «شطرنج» اختصاص دارد و در انگلیسی و آلمانی بیشترین تصاویر را «پازل» تشکیل می‌دهد.

قرار بود در بخش نخست «درباره‌ی ادعای دیرهنگامی این درآمد» توضیحاتی را خدمت شما ارائه کنم. باز برای کوتاه کردن سخن، به معرفی دو مقاله‌ی کلیدی که توسط پروفسور گلوک اتریشی چهل سال پیش نوشته شده و سپس در مجلات علمی چاپ شده است بسنده می‌کنم:۱- مقاله پروفسور در سال ۱۹۸۲ (حدود چهل سال پیش) با عنوان مصائب تئوری پسایه)Das Elend der Kielwassertheorie(؛ و ۲- انتشار مقاله‌ی پروفسور Peter Glück با عنوان «یک دانش مدرن سیاست جنگل چه به ارمغان می‌آورد؟» (Was leistet eine Moderne Forstpolitik-Wissenschaft) در مجله Allgemeine Forstzeitschrift، در سال ۱۹۷۷ بیش از چهل سال پیش!

ما بعد از گذشت چهل سال از انتشار این مقالات، از «تئوری مهم پسایه» و «ارمغان دانش مدرن سیاست جنگل»، تقریبا هیچ نمی‌دانیم. چرا؟

گمان می‌کنم بهتر است پاسخ این پرسش را از استاد محترم دانشگاه فردوسی مشهد بشنویم که در شماره‌ی اخیر ماهنامه‌ی «سیاست‌نامه» مقاله‌ی زیر از ایشان منتشر شده است:

چهره ژانوسی علم سیاست در ایران: تاکید بر «نظریه» به‌مثابه «بن‌مایه» رشته علوم سیاسی؛ در مقاله‌ی آقای دکتر خلیلی در ماهنامه سیاست‌نامه بهمن ۱۳۹۶، «بن‌مایه رشته علوم سیاسی، نظریه است. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان رشته‌ی علوم سیاسی را کاربردی‌تر کرد؟ چگونه می‌توان تئوری‌ها را به مبنای سیاست‌گذاری تبدیل نمود؟ علوم سیاسی در ایران نمی‌تواند جدای از روندهای جهانی آن باشد. به‌تدریج می‌بایست به سمتی از بخش‌های علوم سیاسی گرایش پیدا کرد که کاربردی‌ترند.»

اگر نظریه، بن‌مایه‌ی علوم سیاسی است که هست، ما در ایران از تئوری‌هایی که علم سیاست جنگل دنیا از آن‌ها استفاده می‌کند، مانند ۱- تحلیل سیاست عقلایی (Rational policy analysis)؛

۲- تحلیل سیاست نهادی (Institutional policy analysis)؛

۳- تحلیل شبکه‌ی سیاست (Policy network analysis)؛

۴- تحلیل ائتلاف گروه‌های حامی ((Advocacy coalition analysis (ACF؛

۵- تحلیل سیاست انتقادی (Critical policy analysis) چقدر می‌دانیم؟

قرار بود پس از مقدمه و بخش نخست، در بخش دوم به «سیاست جنگل» بپردازم:

به‌طور مختصر و مفید، شایسته است که بجای سیاست جنگل، در ابتدا خود سیاست و سیاست‌گذاری را بر اساس علم آن بشـــناســـیم. اگرچه دســـته‌بندی‌های فراوانی وجود دارد و می‌توان تازه‌ترین آن‌ها را تهیه و معرفی کرد، تئوری‌های مربوط به فرآیند سیاست‌گذاری را می‌توان به سه دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

۱) تئوری چرخه‌ی سیاست‌گذاری classic policy cycle

۲) چارچوب ائتلاف مدافع Advocacy Coalition Framework

۳) چارچوب جریان‌های چندگانه Multiple Streams Framework

بر همین اساس، سیاست در هر یک از تئوری‌های سه‌گانه‌ی بالا به ترتیب، به شکل زیر تعریف می‌شوند:

۱) سیاست به‌مثابه فرآیند حل مسئله (solution finding process) که با کمک (سیکل کلاسیک سیاست classic policy cycle) تشریح می‌شود.

۲) ســـیاســـت به‌مثابه باورهای منعقد شـــده (solidified beliefs) که به کمک چارچوب ائتلاف مدافع (Advocacy Coalition Framework) تشریح می‌شود.

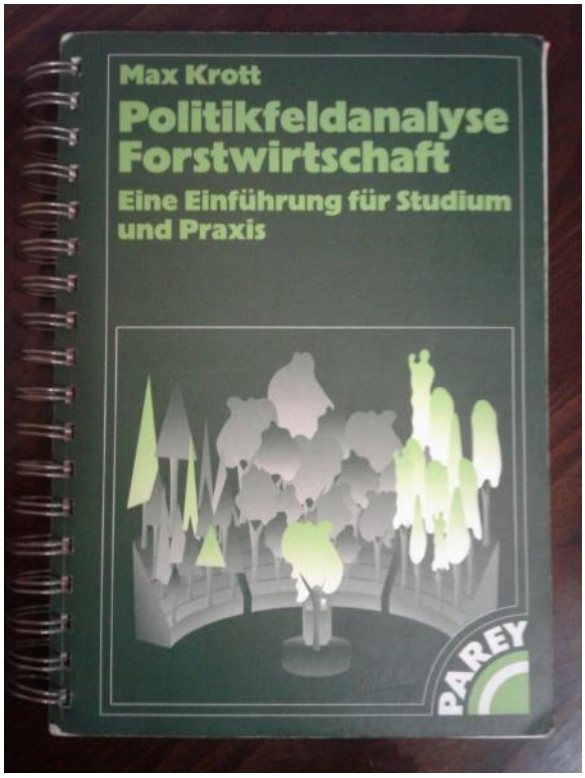

۳) سیاست به‌مثابه محصول اتفاقی (product of chance) که به کمک چارچوب جریان‌های چندگانه (Multiple Streams Framework) تشریح می‌شود.

و آنچه در تدوین سیاست بسیار اهمیت دارد، تحلیل سیاست‌هاست.

اگر «تحلیل سیاست» فنی‌ترین بخش تدوین سیاست است، از تحلیل سیاست و نقش آن در مشاوره‌ی سیاسی (Policy Consulting through Policy Analysis) چه می‌دانیم؟

و کوتاه و صریح:

تغییرات سیاست جنگل از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. در طی این بیش از سه دهه تاکنون، سه تحول عمده در این تغییرات قابل‌تشخیص است:

– ارتباط مسائل جنگل با «توسعه‌ی روستایی»

– ارتباط مسائل جنگل با «سیاست محیط‌زیستی» و

ـ درآمیختن سیاست جنگل در سامانه‌ی نوظهور حکمرانی.

تشخیص اینکه وضعیت فعلی در کشورمان با این سه تحول عمده چه نسبتی دارد، خود نیازمند مطالعات و پژوهش‌های جدی است.

بجای ارائه‌ی تعریف یا تعاریفی از سیاست جنگل که بسیار محل بحث و گفتگو است، ترجیح می‌دهم باز به مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است، مراجعه کنم و برداشت یکی از متخصصان سیاست جنگل را در این خصوص ارائه کنم:

سیاست جنگل به‌مثابه «ستیزی بی‌پایان»

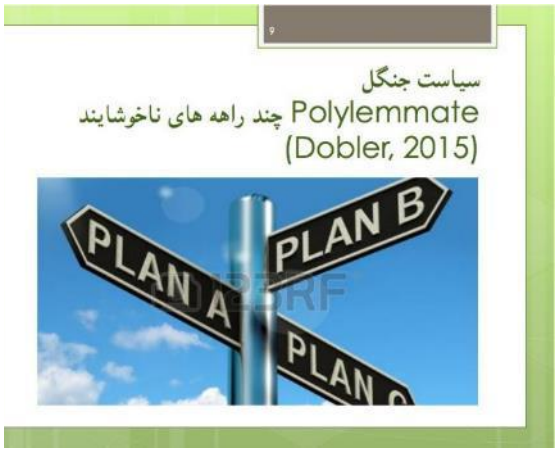

سیاست جنگل به‌مثابه «چند راهه‌های ناخوشایند»

و اما **موخره:**

چندی پیش در جریان «بازنگری درسی علوم جنگل» یکی از اعضای محترم هیئت‌علمی[1] به‌طور «غیررسمی» از من نظرخواهی کرد. اظهارنظر ارسالی را می‌توانید در اینجا مطالعه بفرمایید

جناب آقای ...

با سلام

از حسن ظن جنابعالی به اینجانب برای ارسال ایمیل مربوط به «بازنگری برنامه‌ی درسی علوم جنگل» و فراهم کردن امکان مشارکت من در این مرحله‌ی بسیار تاثیرگذار از برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاهی بسیار سپاسگزارم.

[1] آقای دکتر مجید لطفلیان اظهار داشتند که این درخواست را ایشان داشته‌اند و بعدا در جلسه‌ای در دانشگاه گرگان آن را ارائه نمودند.

اگرچه وظیفه و تمایل دارم که مطالب بیشتری را در این خصوص به اطلاع جنابعالی و همکاران محترم برسانم، اما به دلایل متعدد، در این ایمیل تنها به ذکر سه نکته بسنده می‌کنم.

نخست جا دارد از عزیزانی که بر اساس وظیفه‌ی علمی و شغلی خود، به‌طور بایسته و شایسته‌ای همت جدی دارند تا «برنامه‌ی درسی این رشته‌ی دانشگاهی» را به‌عنوان سنگ بنای این رشته‌ی تخصصی (نه‌تنها در بخش آموزش و پژوهش، بلکه در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی) متناسب با نیازهای فراوان کشور عزیزمان (که تاکنون غالبا منجر به افزایش امکان تحصیل این رشته در دانشگاه‌های بیشتری شده است) تقویت و تحکیم کنند، سپاسگزاری کنم.

دوم آنکه در فایل‌های ارسالی دانشگاه محترم گرگان، دروس مقطع کارشناسی از سرفصل بهره‌مند هستند که باوجود درج عنوان «هدف» در ذیل عنوان همه‌ی دروس، اما برای هیچ درسی هدف مشخص نشده است. مگر امکان دارد بدون آنکه بدانیم هدفمان از یک کنش (مانند مقصد یک سفر و یا جایگاهی که یک ملت قصد رسیدن به آن را دارد) چیست، به آن مبادرت کنیم؟! وقتی نمی‌دانیم هدف و مقصد چیست، این راه و آن راه، این برنامه و آن برنامه، این سرفصل و آن سرفصل چه تفاوت دارند؟!

سوم اینکه برای نمونه در اینجا برای درسی که تاکنون «سیاست جنگل» نام دارد (به گمان من نسخه‌ی قبلی سرفصل این درس در اوایل دهه هشتاد خورشیدی – بدون آنکه بدانم توسط چه کسی تهیه شده بود– به‌مراتب ازنظر علمی پربارتر از نسخه‌های فعلی است)، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

عنوان درس: **سیاست جنگل و حفظ محیطزیست**

اهداف:

– شناخت ابزارهای تحلیل سیاست و پژوهش‌های اجتماعی کاربردی و توانایی بکار بستن آن‌ها
– کسب توانایی شناسایی، ارزیابی و طبقه‌بندی پیامدهای مهم‌ترین مشکلات فعلی سیاست جنگل و محیطزیست
– بررسی و تهیه‌ی راهکارهای برطرف کردن مشکلات
– امکان مشورت دهی به کنشگران متفاوت در بخش‌های جنگل و محیطزیست
– امکان ایفای نقش میانجی برای تهیه‌ی راه‌حل‌های پاینده در بخش‌های متعدد

سرفصل یا رئوس مطالب:

۱– پیش گفتار: اصطلاحات، تعاریف و مفاهیم؛ ۲– جنگل به‌عنوان منبع: عرصه‌های جنگلی و وضعیت آن‌ها؛ ۳– اصول علم سیاست، مفاهیم، نظام‌ها (سیستم‌ها) و فرآیندها؛ ۴– سودآوری‌ها و ایده‌های سیاست جنگلی و کشاکش بین آن‌ها؛ ۵– کنشگران سیاست جنگل؛ ۶– اهداف و برنامه‌های سیاست جنگلی؛ ۷– ابزارهای سیاست جنگلی؛ ۸– تغییرات عرصه‌های جنگلی و پایش و توسعه‌ی جنگل؛ ۹– نقش نوع مالکیت عرصه‌های جنگلی؛ ۱۰– روابط عمومی و آموزش مردمی جنگل؛ ۱۱– آشنایی با سیاست جنگل فرا ملّی و بین‌المللی؛ ۱۲– سیاست حفظ محیطزیست

منابع:

-Forest Policy Analysis, Max Krott, 2005, Springer Netherlands.
-Waldnaturschutzpolitik in Deutschland, Georg Winkel, 2007, Verlag Kessel.
-Journal Forest Policy and Economics, Elsevier.
-Forest Strategy. Strategic Management and Sustainable Development for the Forest Sector, Michael Gane, 2007, the Netherlands: Springer.

پرسش‌ها

۱- چرا هنوز در ایران یک کتاب مرجع در زمینه سیاست جنگل چه به‌صورت تالیف و چه به‌صورت ترجمه نداریم؟

کتاب پروفسور Krott چهار سال پس از انتشار آن به زبان آلمانی، در سال ۲۰۰۵ به انگلیسی منتشر شد. از آن سال تاکنون حدود ۱۲ سال می‌گذرد. انشاالله اگر عمری و توفیقی داشته باشم، به‌زودی به فارسی کتابی در این زمینه توسط یکی از ناشران معتبر دانشگاهی منتشر می‌شود.

۲- آیا سیاست‌گذاری در بخش جنگل در حال حاضر ترکیبی از تحولات گذشته با ایجاد خلاقیت و نوآوری در سیاست است یا خیر؟

کاملا بله. بخصوص درزمینه‌ی سیاست محیط‌زیست و به‌ویژه جنگل کسانی مانند پروفسور Bas Arts خلاقیت و نوآوری فراوانی را بکار بسته‌اند.

۳- نقش سیاست‌گذاران جنگل در مقوله تنفس جامع بوده و چند نقشه راه در این خصوص دیده‌شده است و یا اینکه چون یک قانون بوده است برای آن برنامه نوشته شده و به حالت اجرا درآمده است؟!

این پرسشی است که ریاست محترم و اعضای محترم شورای عالی جنگل مرتع خاک می‌توانند پاسخ بدهند.

۴- سیاست‌گذاری جنگل از بالا به پایین است و در برنامه‌های آمایش سرزمین به این مقوله به‌صورت جامع نگریسته می‌شود. آیا در حال حاضر چنین امری انجام می‌شود؟

اگر به سومین و آخرین تحول سیاست جنگل که در بالا گفته شد توجه بفرمایید اصلا از بالا به پایین نیست. بلکه با آمیختن سیاست جنگل در حکمرانی یا نظام تدبیر به‌صورت کاملا مشارکت جویانه است.

۵- آیا سیاستی برای جنگل‌های خارج از شمال اندیشیده شده است یا چون از دید دولتمردان منافع اقتصادی کلان ندارد و گاها مانعی بر سر توسعه به‌اصطلاح صنعت است، بدون برنامه و هدف خاصی رهاشده است؟!

این هم پرسشی است که ریاست محترم و اعضای محترم شورای عالی جنگل مرتع خاک می‌توانند پاسخ بدهند.

۶- فرمودید سه دسته تئوری در فرآیند سیاست‌گذاری قابل دسته‌بندی است: ۱) تئوری چرخه‌ی سیاست‌گذاری؛ ۲) چارچوب ائتلاف مدافع؛ و ۳) چارچوب جریان‌های چندگانه، لطفا بفرمایید استفاده از این تئوری‌ها در کشور ما چه سابقه‌ای دارد؟(چه در جنگل و چه موارد دیگر).

برای پرهیز از اطاله‌ی کلام، جدول زیر تقدیم می‌شود. شایان‌ذکر است که سابقه‌ی این پژوهش‌ها به سال‌های اخیر برمی‌گردد.

۲. سابقه ی تحقیق تغییر سیاست

* داخلی

سیاست	موضوع	تئوری / رویکرد	تحقیق	یافته / یافته ها
تغییر سیاست جنگل	تغییر سیاست جنگل	جریانهای چندگانه	ستوده و همکاران دانشگاه گیلان	تایید توانایی تشریح تغییر سیاست بهره برداری
سیاست جنگل	سیاست جنگل	- چارچوب شبکه ای - تحلیل مسیر	محمدی کنگرانی، غنجه پور و همکاران	یکسان نبودن جایگاه سازمانها در شبکه های رسمی و غیر رسمی - سیاستگذاری تک بعدی منابع آب و جنگل
تغییر سایر سیاست ها	- سیاست وزارت علوم - سیاست یارانه - اصلاحات اداری	- جریانهای چندگانه / ائتلاف مدافع - چارچوب روایتی / ائتلاف مدافع - مدل اشاعه خط مشی	- عباسی و همکاران - امیری شهابی و همکاران - دانایی و همکاران	- شناسایی دو ائتلاف تولید و مصرف محور تغیر سیاست یارانه: شوک های بیرونی و درونی یادگیری از سیاست توافق مذاکره ای

۷- فرمودید سیاست‌گذاری در جنگل، ترکیبی از تحولات گذشته با ایجاد خلاقیت و نوآوری است. ولی در رابطه با سیاست تنفس جنگل؛ چه تحولاتی در گذشته موجود بوده و چه ابتکاراتی در سیاست‌گذاری تنفس جنگل مشهود است که با اصلی که در بالا آوردید مناسبت داشته باشد؟ البته به نظر می‌رسد با توجه به اصلی که عنوان کردید، کاملا مشخص است که ابتدا قانون نوشته شده و بعد برای آن سیاست‌گذاری شده است. به‌هرحال چه اصولی برای سیاست‌گذاری در جنگل مناسب است؟ از بالا به پایین، از پایین به بالا، تحت‌فشار حکمرانی یا آمیخته‌ای از همه؟ (البته با توجه به شرایط ایران و وضعیت مالکیت دولتی بر منابع طبیعی)

همان‌گونه که در بالا نوشتم، سعی کردیم که با استفاده از جریان‌های چندگانه‌ی کینگدون این تغییر را تحلیل (نه داوری و قضاوت) کنیم. انشااله نتایجش به‌زودی در مقایسه با یک روش تحلیلی دیگر در قالب یک مقاله‌ی علمی منتشر خواهد شد. در خصوص سوال دوم شما، باید عرض کنم چون مطالعه‌ای صورت نگرفته است، پاسخ علمی نمی‌توانم برای آن داشته باشم. اخیرا با روشی در سیاست‌گذاری موسوم به «آزمایش تصادفی کنترلی سیاست‌گذاری RCT» آشنا شده‌ام که درصورتی‌که سازمان جنگ‌ها و وزارت جهاد کشاورزی شرایط اجرای آن را فراهم کند، پس از چند سال می‌توان با استناد به نتایج این پژوهش پاسخ پرسش دوم شما را یافت.

۸- یعنی هنوز باید با آزمون‌وخطا میراث کهن هیرکانی را مدیریت کنیم؟

تا زمانی که بر اساس علم سیاست‌گذاری، پژوهش‌های لازم را برای رسیدن به پاسخ‌های پرسش‌هایمان انجام ندهیم، متاسفانه بله.

۹- دانش سیاست جنگل در مسیر تکامل خود چه تغییراتی داشته است؟ در مورد ایران هم اگر توضیح بفرمایید موجب تشکر است.

به‌طور خلاصه در بالا، سه تحول عمده در دانش سیاست جنگل را معرفی کردم: ۱- ارتباط مسائل جنگل با «توسعه‌ی روستایی»؛ ۲- ارتباط مسائل جنگل با «سیاست محیط‌زیستی»؛ و ۳- درآمیختن سیاست جنگل در سامانه‌ی نوظهور حکمرانی. درباره‌ی ایران توضیحی ندارم چون مطالعه و پژوهشی انجام نداده‌ام.

۱۰- از مشارکت مردمی به‌عنوان ردّی بر سیاست‌گذاری بالا به پایین سیاست جنگل فرمودید، در ایران که حاکمیت جنگل‌ها بر عهده دولت است و سیاست‌گذاری آن را انجام می‌دهد، چگونه مشارکت مردمی کمک به جنگل می‌کند و آیا بحث مشارکت تنها برای زمانی نیست که دولت در برنامه‌های اصلاحی خود در جنگل با مشکل اعتبار روبروست؟! اینکه گفته شد از بالا به پایین است منظور بر تعیین نقشه جامع است مثلاً همین تنفس آیا یک خواست پایین‌دستی بود یا از برنامه‌های قانون پنج‌ساله ششم توسعه بود؟!

سیاست‌گذاری مشارکتی اصلا به معنی نفی یا به قول شما رد نقش دولت در سیاست‌گذاری نیست. بلکه اقتضای سیاست‌گذاری، لحاظ علائق Interest و ارزش‌های Value جامعه مدنی Civil Society و بازار Market علاوه بر دولت State است.

حفاظت از جنگل‌ها هم خواست مردم و هم نمایندگان محترم آن‌ها بود و هست و خواهد بود؛ اما اینکه به قول شما «همین تنفس»، اسباب حفاظت از جنگل‌ها فراهم می‌شود یا خیر، بحث دیگری است.

۱۱- طرحی جامع و کارآمد همچون طرح تنفس و با اجرای دقیق و کامل که می‌تواند عوامل تخریب گسترده در جنگل را حذف کند و زمینه را برای حفظ، احیا و توسعه جنگل‌های شمال و بهره‌مندی اکولوژیکی از آن فراهم سازد، چرا با همراهیِ واژه‌ی سیاست، بر دشواری‌ها و گره خوردن‌های اجرایی، پیچیده می‌شود؟ به‌طورکلی ما در جامعه و کشورمان واژه‌ی «سیاست» به صورتی به ما القاء شده است که همیشه همراه با هراس بوده و این بحث در تمام رشته‌ها و کارها هست که سبب همان پیچیدگی‌ها می‌شود و به‌جای مسیر مستقیم تنفس جنگل، افراد از

راه‌های پرپیچ‌وخم می‌خواهند هر طور که شده این سیاست سفید را اگر نگوییم سیاه ولی خاکستری کنند، من می‌خواهم بدانم آیا سیاستی مستقیم وجود دارد برای مدیریت جنگل‌هایی که حالا شرایطی بحرانی دارند؟ یا سیاست‌ها همچنان باید مملو از ترس و ابهام و کج‌روی باشد؟

به این خاطر که من هنوز سندی درباره‌ی «ارزیابی سیاست» ملقب به تنفس ندیدم، به‌عنوان پژوهشگر سیاست جنگل مایلم و وظیفه خودم می‌دانم که درباره‌ی آن بپرسم. اتفاقا قصدم روشن شدن و شفافیت موضوع است و خاکستری کردن آن نیست. آنچه در تدوین سیاست بسیار اهمیت دارد: تحلیل سیاست‌هاست. خوشحال می‌شوم اگر نظرتان را درباره‌ی پاسخم به سوالتان بدانم. پیشاپیش ممنونم.

آقای دکتر من به‌هیچ عنوان قصدم این نبود که سیاست‌ها به‌طورکلی و یا سیاست‌هایی که شما بزرگوار معرفی فرمودید، خاکستری است، بلکه منظور من عواملی انسانی هستند که این سیاست‌ها را که در اصل بدون هیچ پیچیدگی است، بسیار پیچیده می‌کنند.

آقای دکتر من مطالب ارزشمندی که ارسال فرمودید را مطالعه کردم، قصد من از گفتن اینکه سیاست‌ها در هشتاد درصد پروژه‌ها به‌گونه‌ای است که هرچقدر شما اساتید گران‌قدر تلاش می‌کنید که در راهی درست و مستقیم پیش رود، ولی سیاست حاکم و همچنین به‌هم‌ریختگی برخی شرکت‌ها و افرادی که می‌خواهند این سیاست آسان که می‌تواند با توسعه‌ای پایدار برای ایران همراه باشد، با تیغی آن را می‌برند که جریان مستقیم قطع شود.

۹- برنامه ملی جنگل جمهوری اسلامی ایران (ابزاری برای کاربست رویکرد حکمرانی)

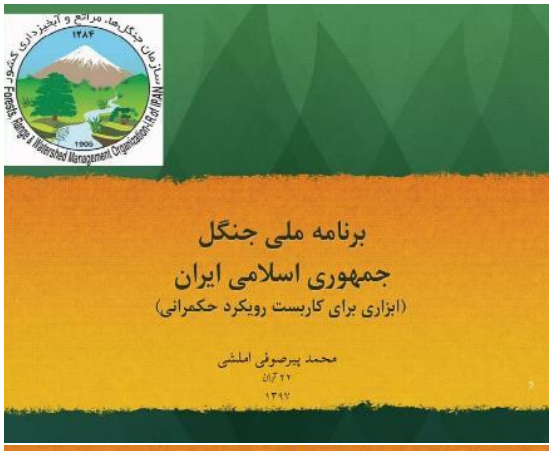

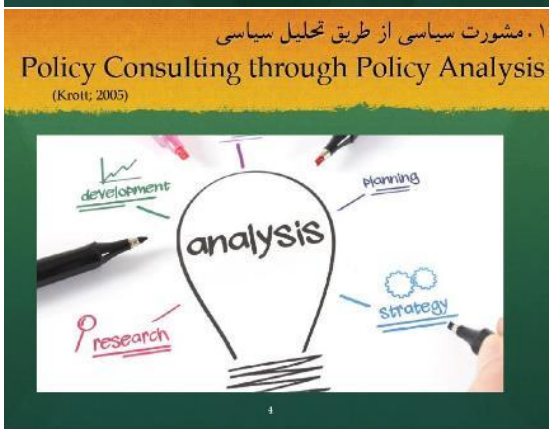

۱. مشورت سیاسی از طریق تحلیل سیاسی

Policy Consulting through Policy Analysis

(Krott; 2005)

نظریه: یک (یا چند) گزاره ی فرضیه ای که بطور موقت رفتار یک پدیده را بازنمایی، توصیف، تحلیل، تبیین و تفهیم می کند.

(دانایی فرد، ۱۳۹۵)

6

۲. مقدمه:

سیاست Policy

تابلوی نصب شده در میدان جنب تالار حکمت دانشگاه گیلان

7

۲. مقدمه:

سیاست Policy

Policy:

① Policy محتوی

② Poity ساختار

③ Politics فرایند

(Schubert, Bandelow; 2009)

****

Purpose:
Conflict Resolution
Based on Information and
Power

(Krott, 2005)

8

۲. مقدمه: سیاست جنگل

تنوع خدمات اکوسیستمی

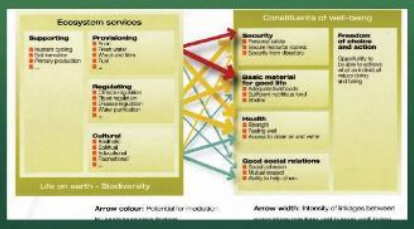

(Reid et al.; 2005)

9

۲. مقدمه: سیاست جنگل

چند راهه های ناخوشایند (Polylemmas)

(Dobler, 2015)

10

۲. مقدمه: سیاست جنگل

نظریه ی پسایه(Kielwasser Theorie)

(Glück; 1982)

11

۲. مقدمه: سیاست جنگل

ستیز بی پایان (Streit Ohne Ende)

(Dobler, 2015)

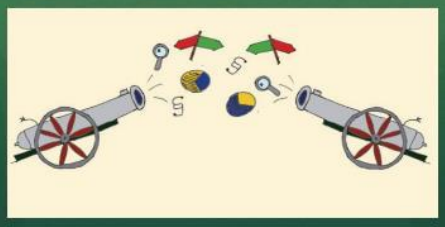

12

۲. مقدمه: سیاست جنگل

ستیز بی پایان (Streit Ohne Ende)

13

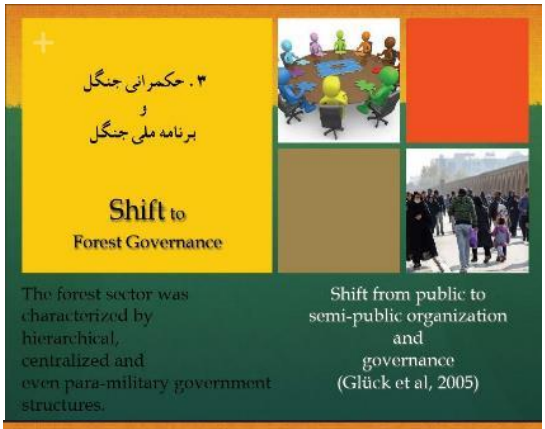
۳. حکمرانی جنگل
و
برنامه ملی جنگل
Shift to
Forest Governance
The forest sector was characterized by hierarchical, centralized and even para-military government structures.
Shift from public to semi-public organization and governance (Glück et al, 2005)

۲. شرط موفقیت استراحت جنگل
موفقیت طرح «استراحت جنگل» عزم ملی می‌خواهد
14

۳. حکمرانی جنگل و برنامه ملی جنگل
برنامه ملی جنگل بعنوان فرآیند تکرار گرایانه بلندمدت

۳. حکمرانی جنگل و برنامه ملی جنگل
Governance approach in forestry
International forest deliberations
National forest programs
Forest certification
Decentralization
Devolution of public rights
Forest self organization
(Glück et al, 2005)

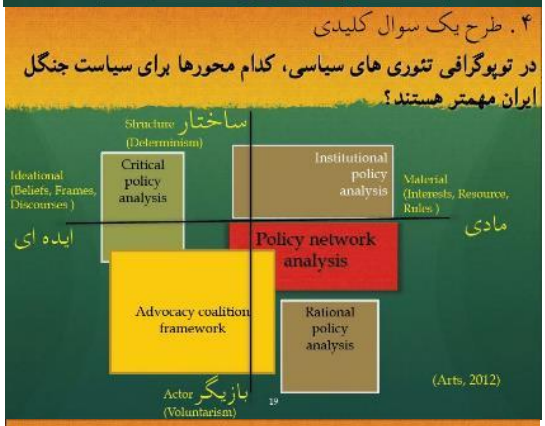
۴. طرح یک سوال کلیدی
در توپوگرافی تئوری های سیاسی، کدام محورها برای سیاست جنگل ایران مهمتر هستند؟
Structure ساختار
(Determinism)
Critical policy analysis
Institutional policy analysis
Ideational (Beliefs, Frames, Discourses)
Material (Interests, Resource, Rules)
ایده ای
مادی
Policy network analysis
Advocacy coalition framework
Rational policy analysis
Actor بازیگر
(Voluntarism)
(Arts, 2012)
19

۳. حکمرانی جنگل و برنامه ملی جنگل
برنامه ملی جنگل بعنوان فرآیند تکرار گرایانه بلندمدت
Analysis- Phase
Policy formulation and planning Phase
Communication
Capacity building
Coordination
Monitoring and Evaluation Phase
Implementation Phase

مقدمه: تغییر سیاست
Policy Change
A large-scale social, economic and political change attributable to the interactions of people within the policy community (Sadath, Kroll; 2012)
SUBSTANTIVE:
A definitive change in action and actors
SYMBOLIC:
would merely accommodate new ideas without actually changing any actions
POLICY CHANGES
21

با مهر فراوان
pirsoufi@yahoo.com
20

۱. مهمترین رویکردهای تحلیل «تغییر سیاست»

Theoretical approaches for the analysis of forest **policy change/Natura 2000**

رویکرد	پنظران تغییر
Policy Paradigms انگاره های سیاسی	**انگاره های** هدف، ابزار هدایت، مناطق ابزارها
Advocacy Coalition Framework چارچوب ائتلاف مدافع	**ائتلاف ها** بعنوان محمل شکل گیری سیاستها
Argumentative Discourse analysis تحلیل گفتمان استدلالی	**ائتلاف های گفتمانی** بعنوان محمل شکل گیری سیاستها
Veto player Theory نظریه بازیگر صاحب وتو	**قدرت وتو** برخی بازیگران عامل شکل گیری سیاستها

(Sotirov, Borrass, Winkel, 2011)

22

۱. مهمترین رویکردهای تحلیل «تغییر سیاست»

Theoretical approaches for the analysis of **forest policy change/ Natura 2000**

	Policy Paradigms	Advocacy Coalition Framework	Argumentative Discourse analysis	Veto player Theory
واحد اصلی تحلیل	محتوای سیاست	فرآیند سیاست بعنوان رقابت ائتلاف های سیاسی	فرآیند سیاست بعنوان جدال استدلالی	فرمول بندی و اقتصاب یک تصمیم سیاسی
تعریف تغییر سیاست	تغییر محتوای (اهداف، ابزار، سامان ابزارها)	تغییر زمان و مهلتهای سیاسی	تغییر زبان و مهلتهای سیاسی	تغییر محتوای وضع موجود
مکانیسم تشریح تغییر	ایده ها: نمونه های سیاسی، گفتمان های اجتماعی	باورهای عمیق و ثابت سیاسی مشترک در همه اعضای یک ائتلاف	باورهای عمیق و ثابت گفتمانی	موافقت همه ی بازیگرانی که توانایی وتو دارند
بازیگران	تمرکز بر کارشناسان، دانشمندان، سیاستمداران	مدل بازیگری مبتنی بر شناخت و روانشناسی اجتماعی	مدل بازیگری مبتنی بر ساخت اجتماعی	مدل مبتنی بر قدرت وتو و بازیگران
سازمان ها	تاکید دسیار کم	ویژگی های نهادی رسمی یک سیستم سیاسی	قواعد و قدامات سیاسی رسمی	نقش اصلی نهادهای رسمی سیاسی
روش شناسی	تفسیری/تاریخی	تفسیری/قیاسی	تفسیری/قیاسی	تو اثبات گرایانه

(Sotirov, Borrass, Winkel, 2011)

23

۲. سابقه ی تحقیق تغییر سیاست جنگل

* خارجی

بر اساس تئوری ها یا رویکردهای موجود

کشور مورد مطالعه	سال انتشار مقاله	تئوری / رویکرد	یافته ها
بنگلادش	۲۰۱۲	مدل تحلیل برنامه سیاسی	۲۵ تغییر بنیادین و ۱۱ تغییر تمادین
آلمان	۲۰۱۳	جریان های چندگانه	موفقیت سیاست جنگل در ایالت بایرن در توجه به تغییر اقلیم
غنا	۲۰۱۳	ائتلاف، مدافع	توجه بیشتر به بازارهای محلی چوب
امریکا	۲۰۱۴	چارچوب روایتی	چهار روایت در حال تبدیل به یکدیگر: - جایگزین - بازتوزیع نصابی - بازتوزیع اقتصادی اجتماعی - فاقد تمادین

با مهر فراوان

pirsoufi@yahoo.com

25

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

ابعاد ضروری در رویکرد مناسب

۱. هدف گذاری	۲. ابزارها (تنظیمی، اقتصادی، اطلاعاتی)
۳. سطوح سیاسی	۴. فرآیندهای تصمیم سیاسی
۵. بازیگران دخیل	۶. نظام های نهادی
۷. ایدئولوژی ها و ایده های سیاسی	۸. علاقه های بازیگران
۹. دانش و گفتمان	۱۰. تبعات و آثار

سه گام مهم برای دستیابی به رویکرد مناسب

گام نخست	انتخاب یک نظریه
گام دوم	انتخاب نظریه ی دوم برای مقایسه ی قدرت تحلیل آنها
گام سوم	ترکیب نظریه ها بر اساس تلفیق عناصر سازگار و پر کردن خلاها

27

Forest Government and Forest Governance in Europe (Krott 2005)

Level of forest policy	State authority	Type of	forest policy
		Government	Governance
National forest policies	Full	90	10
EU forest related policies	Partly	80	20
International forest policies	None	0	100

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

تغییر سیاست برای جنگلهای شمال = بند ف ماده ۳۸ قانون برنامه ی ششم

ف-

۱- هرگونه بهره‌برداری چوب از درختان جنگلهای کشور، از ابتدای سال چهارم اجرای قانون برنامه، ممنوع می‌باشد. دولت در ارتباط با قراردادهای طرحهای جنگلداری مذکور که مدت اجرای آن به اتمام می‌رسد، مجاز به تمدید قرارداد نمی‌باشد.

تبصره- بهره‌برداری چوب در طرحهای جنگلداری طی سالهای اول تا سوم اجرای قانون برنامه توسعه صرفاً از درختان شکسته افتاده و ریشه‌کن در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه خواهد بود.

۲- دولت مکلف است نسبت به اصلاح آن دسته از طرحهای جنگلداری که مدت اجرای آن تا پایان سال سوم اجرای قانون برنامه به اتمام نمی‌رسد، تعیین خسارت کارشناسی نموده و خسارت حاصله را در بودجه سنواتی درج نماید.

تبصره۱- بهره‌برداری از درختان ریشه‌کن شکسته افتاده خشک، سرپا و گندزده غیرقابل تمدید تا پیش از تصویب طرح جایگزین و حداکثر تا پایان سال سوم برنامه صرفاً با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور مجاز می‌باشد و پس از تصویب طرح جایگزین صرفاً براساس این طرح و با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور خواهد بود.

تبصره۲- برداشت درختان جنگلی برای طرحهای عمرانی در صورت دارابودن ارزیابی زیست محیطی و شناسه (کد)شناسایی با مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور بلامانع است. همچنین بهره‌برداری از درختکاری و جنگلکاری‌های دست‌کاشت بمنظور زراعت چوب یا تشخیص و مجوز سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور مجاز است.

۳- بمنظور تحقق بند(ز) دولت مکلف است با اختصاص ردیف اعتباری مستقلی نسبت به پیش‌بینی اعتبارات و امکانات در بودجه‌های سنواتی جهت ارتقاء پوشش کامل و مؤثر حفاظت از جنگلهای کشور، جهاد موافق ثابت‌داری جنگلهای از تغییر کاربری، تجاوز و تصرف مجازه با قانون چوب، استقرار مدیریت پایدار جنگل و اجرای تعهدات اقدام نماید.

تبصره- دولت مکلف است تسهیلات لازم را جهت توسعه زراعت چوب و واردات مواد اولیه صنایع مرتبه با چوب(سنواتی) در اختیار صاحبان صنایع و کشاورزان طرف قرارداد آنان قرار دهد.

28

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام نخست: انتخاب یک نظریه

چارچوب جریانهای چندگانه کینگدون

Multiple Stream Framework

تلاقی سه جریان (مشکل، سیاسی، سیاست) در پنجره ی سیاست توسط کارآفرینان سیاسی

(Storch, Winkel, 2013) (عباسی و همکاران، ۱۳۸۹)

29

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام نخست: انتخاب یک نظریه (چارچوب جریان های چندگانه کینگدون)

سوال های اصلی:

چرا تغییر خط مشی بهره برداری از جنگل های شمال ایران در دستور کار قرار گرفت ؟

چه رویدادهایی منجربه تغییر این خط مشی شد ؟

کار آفرینان خط مشی در گروه های ذی نفوذ چه نقشی در این تغییر داشتند ؟

جا به جایی ها در قوه ی مجریه چه نقشی در تغییر خط مشی داشت ؟

مسائل حوزه ی بهره برداری از جنگل های شمال چه نقشی در چنین تغییری داشت ؟

چه ایده هایی در جریان خط مشی مطرح شد ؟

چگونه این جریان ها (جریان مسائل، خط مشی و سیاسی) به هم پیوند خورده اند ؟

30

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام دوم: انتخاب نظریه دوم (چارچوب روایت های سیاسی) برای مقایسه قدرت تحلیل آنها

32

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام دوم: انتخاب نظریه دوم (چارچوب روایت های سیاسی) برای مقایسه قدرت تحلیل آنها

„Don't ask ‚What's the problem,'ask ‚What's the story?'
That way you'll find out what the problem really is."
(Neustadt, May ,1986, S. 274)

31

۳. رویکرد یا رویکردهای مناسب تحلیل تغییر سیاست برای جنگلهای شمال

گام سوم: ترکیب نظریه ها بر اساس تلفیق عناصر سازگار و پر کردن خلاها

33

۴. طرح یک سوال کلیدی

در توپوگرافی تئوری های سیاسی، کدام محورها برای سیاست جنگل ایران مهمتر هستند؟

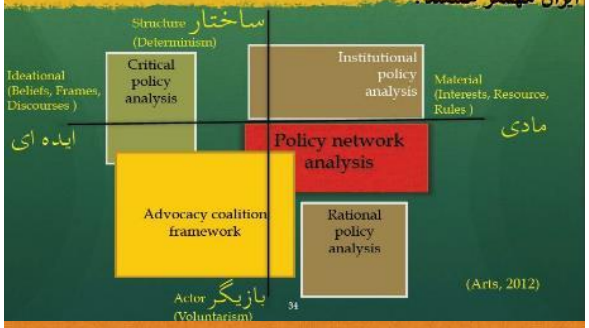

34

جریانهای چندگانه کینگدون
Multiple Stream Framework

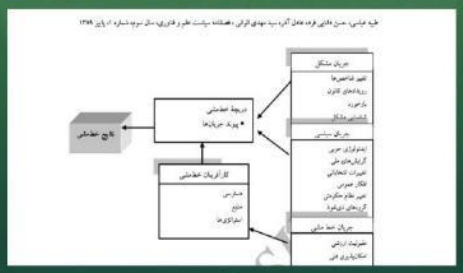

35

تحلیل انتقادی سیاست
Critical Policy Analysis

آفرینش جنگلها با واژگان مطالعات گفتمانی وابسته به جنگل

فوکو در جنگلها
استفاده از مفاهیم فوکویی در تحلیل سیاست جنگل

36

37

۱۰-ضرورت آینده‌پژوهی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار

منشاء پیدایش نگاه توسعه پایدار در جهان، وجود نگاه آینده‌نگرانه بوده است. عبارت پایداری از حوزه جنگل آغاز شده است و بعدازآن عبارت توسعه پایدار شکل گرفته است. سند سیاست‌های کلی محیط‌زیست ایران در سال ۱۳۹۳ و در ۱۵ بند تصویب گردید که دارای نقاط ضعف و کمبودهای بسیار است. ازجمله این کمبودها می‌توان به توجه نامتوازن به حوزه‌های آب، انرژی و پسماند؛ عدم اشاره به توسعه بومی و منطقه‌ای، عدم پیش‌بینی سیستم ارزیابی و ارزشیابی و همچنین عدم وجود هیچ‌گونه نشانه خاصی از ایرانی بودن این سند اشاره نمود. ازجمله چالش‌های توسعه پایدار در ایران نیز می‌توان به عدم وجود سواد سیاست‌گذاری و عدم وجود نگاه آینده‌نگری در تصمیم گیران این حوزه اشاره نمود.

ویژگی اساسی آینده‌پژوهی، همه‌جانبه نگر بودن است و مقوله توسعه پایدار نیز یک مقوله چندوجهی است. ازاین‌رو آینده‌پژوهی می‌تواند پاسخ صحیحی به نیازهای توسعه پایدار داشته باشد. درآلمان برنامه ملی جنگل توسط آینده‌پژوهان تدوین می‌گردد. در مورد چالش دوگانه‌ی جامعه/فرهنگ و سیاست‌گذاری برای محیط‌زیست، در کوتاه‌مدت قطعاً چالش سیاست‌گذاری، چالش اصلی کشور است. ما در کشورمان بجای علت‌ها، معلول‌های را نشانه می‌گیریم. برای سیاست‌گذاری باید به سه ضلع آن یعنی ساختار، فرایند و خود سیاست توجه نمود و فقدان هرکدام، سیاست‌گذاری را فلج می‌کند.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

http://farda.ir/fa/-98-02-04

۱۱-انتخاب نظریه پشتیبان برای تحلیل سیاست آمایش سرزمین

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های علمی «اندیشگاه مهاد» با عنوان «فرآیند سیاست‌گذاری عمومی و نظریه‌های آن» روز شنبه یازدهم آبان ماه ۱۳۹۸ در دفتر بنیاد توسعه فردا با ارائه آقای محمد پیرصوفی برگزار شد. این سلسله نشست‌ها با هدف تحلیل سیاستی «آمایش سرزمین» به‌عنوان یک فرایند سیاست‌گذاری برگزار می‌شود. در بخش نخست این نشست، آقای پیرصوفی با تاکید بر اینکه بدون تحلیل سیاسی، مشورت دادن به سیاست‌گذاران امکان‌پذیر نیست گفت: مبنای علمی این تحلیل‌ها نیز نظریه یا نظریه‌های غالب در تحلیل فرآیندهای سیاست‌گذاری هستند. وی سه چارچوب «ساخت اجتماعی»، «جریان‌های چندگانه» و «ائتلاف مدافع» را تشریح و دیدگاه صاحب‌نظران هر حوزه را بیان کرد. در ادامه در قالب ماتریس تحلیل، این سه نظریه با همدیگر مقایسه شد.

در بخش دوم نیز برخی پژوهش‌های خارجی و داخلی که با استفاده از چارچوب‌های فوق‌الذکر انجام‌شده بودند معرفی و نتایج آن‌ها ارائه شد. در پایان جلسه نیز شرکت‌کنندگان در جلسه به بیان نظرات و خود در مورد چارچوب‌ها و نظریه‌های مطرح شده پرداختند و سعی شد برای انتخاب تئوری(های) پشتیبان برای تحلیل «سیاست آمایش سرزمین» گام‌های نخست برداشته شود.

قابل‌دسترسی در آدرس زیر:

http://farda.ir/fa/-98-08-11

۱۲- معرفی مدل پاب به معنای پژوهش، ادغام و بهره‌برداری

ای‌بسا ناورده استثنا بگفت جان او با جان استثناست جفت

من هم خدمت حاضرین محترم عرض سلام و ادب و احترام و روز بخیر دارم، به رسم ادب و احترام اگه اجازه بفرمایید من ایستاده عرایض رو خدمتتون داشته باشم، خانم دکتر محمدی کنگرانی، به اتفاق خانم دکتر وطنی، تنها دو بانویی هستند که امروز در این جمع مردانه حضور دارند، من می‌دانم که دو دهه است که رشته جنگلداری این افتخار را دارد که مزیّن شده به حضور بانوان، امیدوارم در طی ماه‌های آینده و سال‌های آینده، ما انشاالله تعداد بیشتری از بانوان را در جلسات علمی، در جلسات رسمی، در جلسات تصمیم سازی و انشاالله با حمایت جناب آقای دکتر شهبازی در جلسات تصمیم‌گیری شاهد باشیم. آقای دکتر لطفعلیان فرمایش کردند «ریو»، زیر عنوانش هست سیاسی شدن علم یا علمی شدن سیاست. من قبل از اینکه این مدل رو به نقل از این کتابی که سال ۲۰۱۶ در

خارج از ایران منتشر شده به زبان انگلیسی و به همت بالای جناب آقای دکتر کلاهی عضو محترم هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد تنها دو سال به زبان شیرین فارسی ترجمه شده خدمتتان عرض کنم، باید بگم که مولف کتاب آقای کرات، خانم دکتر قبل از جلسه فرمایش کردند که علم سیاست جنگل‌شان را مدیون جناب آقای دکتر کرات هستند، من هم مدیون آقای دکتر کرات هستم، و هرکسی که در سیاست جنگل دنیا تحصیل کرده و کار می‌کند مدیون ایشان هست به واسطه نقش جدی علمی که ایشان در سیاست جنگل دنیا دارند، به اتفاق پروفسور بوشا، این کتاب را در سال ۲۰۱۶ تالیف کردند، من قبل از اینکه این مدل را معرفی کنم شایسته است بگویم که سیاست برعکس آن چیزی که در زبان شیرین فارسی متهم می‌شود به اینکه متاسفانه پدر و مادر ندارد و ما به آن دشنام می‌دهیم، حالا در ادامه عرایضم عرض می‌کنم که بسیار مفید فایده ست، من گمان می‌کنم یکی از دلایلی که ما به سیاست دشنام می‌دهیم و متهمش می‌کنیم به این که پدر مادر ندارد، این است که ما از سیاست چیزی نمی‌دانیم، خانم دکتر فرمایش کردند معرفت سیاسی‌مان را باید افزایش بدهیم، امیر مومنان علی (ع) فرمودند که مردم دشمن آن چیزهایی هستند که نمی‌دانند، جناب آقای شهبازی فرمایش کردند که اینجا جلسه درگیری نباشد، جناب آقای دکتر شهبازی، اعضای محترم این جلسه، اصلا کار سیاست، رسیدگی به کانفلیکت است، آقای دکتر عاشوری ترجمه کردند، ستیز، کشاکش، درگیری، و اتفاقا جنابعالی و حالا خیلی از عزیزانی که اینجا مسئولیت دولتی دارید ، کارمان حالا به اتفاق این هست که کانفلیکت‌ها را رزولوشن کنیم، همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید در واژه رزولوشن کلمه سولوشن هم نهفته است جناب آقای شهبازی، اما همانطور که باز خانم دکتر فرمایش کردند، سیاست سه قسمت داره، یعنی کلمه سیاست به سه بخش تقسیم می‌شود، ما در کشورمان به واسطه آشنایی کمی که با مقوله سیاست داریم بیشتر به محتوا می‌پردازیم، اگر ما از مزه و طعم این شیرینی ناراضی باشیم، کمتر این امکان برای ما فراهم است که اینجا دستکاری کنیم در شیرینی، می‌رویم سروقت کارخانه شیرینی سازی و آن فرآیندی که شیرینی تولید شده، ما به جای اینکه درباره تنفس، طرح خروج دام یا حالا هر مقوله سیاسی دیگری در عرصه جنگل صحبت کنیم شایسته است که به اون ساختاری که این سیاست‌ها را مشخص می‌کند، و فرآیندی که این سیاست‌ها رو تعیین می‌کند بپردازیم تا شاید انشااله بتوانیم آن طرح جایگزینی که قرار است جایگزین کارهای قبلی بشود، بتوانیم به صورت علمی انشااله به آن دست پیدا کنیم، تا یک اندازه‌ای جناب پروفسور کرات و همکارشان سعی کردند این مدل رو بسیار ساده کنند که اجرایی باشد، این مدل تشکیل می‌شود از سه قسمت پژوهش، ادغام و بهره‌برداری، سه تا ویژگی خاص باید پژوهش‌ها، ادغام و بهره‌برداری داشته باشد تا آن پژوهشی که آقای دکتر ثاقب طالبی در موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع و خیلی از دانشگاه‌های کشور زحمت میکشند و انجام می‌دهند اصلا قابل بهره‌برداری بشود، نکته‌ی مهم در این مدل چون ما با ریسرچ و یوتیلیزیشن آشنا هستیم، بحث اینتگریشن هست، یعنی ادغام دانش جدید در عمل بر اساس چهارچوب‌های سیاسی، خانم دکتر باز چندبار عذرخواهی کردند به واسطه اینکه بعضی از کلمات ناخواناست من هم عذرخواهی می‌کنم، ولی جالب اینجاست که همینجوری که ملاحظه می‌فرمایید، این یک چرخ دنده ایست که این سه قسمت را به هم وصل می‌کند و بزرگترین چرخ دنده در قسمت ادغام وجود داره، آقای مهندس جباری فرمایش کردند که انقلاب مشروطه هم بدون سند صورت گرفت، جناب آقای مهندس جباری، اگر سندی در کار بود انقلابی صورت نمی‌گرفت، انقلاب‌ها به این دلیل صورت می‌گیرند که ما برنامه مدونی نداریم، و چرا برنامه مدونی نداریم؟ بخاطر اینکه آن وحدت نظری که آقای دکتر مروی‌مهاجر اسم بردند، اون تفاهمی که عقلای قوم، بزرگان قوم باید انجام بدهند با مشارکت مردم کمتر وجود دارد و به انقلاب منجر می‌شود، در صفحه ۴۰ این کتاب به زبان فارسی نوشته است که فقط مسائلی که از فیلتر ادغام عبور می‌کنند موضوع پژوهش می‌شوند، سال‌هاست که ما همگی در رشته جنگلداری تحقیق

می‌کنیم، منتهی هیچ کدام، هیچ کدام شاید مقداری کم انصافی باشه، منتهی کمتر پژوهشی هست که از فیلتر ادغام عبور کرده باشد و پژوهش شده باشد، باز اینجا شاخص‌های کیفیت پژوهش، ادغام و بهره‌برداری رو می‌بینید بخاطر اهمیت بحث ادغام، من آن ویژگی‌های کیفی‌اش را با یک رنگ دیگری مشخص کردم، همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید، آن پژوهش‌ها باید به سمت اهداف عمومی بروند، باید فرآیندهای سیاسی را مدنظر قرار داده باشند، باید معطوف به متحدان باشند، من در صفحه بعدی کم و بیش درباره متحدان صحبت می‌کنم و به بحث واسطه‌گری معطوف باشند، طرح خروج دام از جنگل، طرح تنفس یا حالا هر طرح دیگری رو در شرایطی تهیه و به صورت اجباری اجرا کردیم که کمتر به بحث متحدان توجه داشتیم، ما انواع متحدان داریم، متحدانی که در فرآیند پژوهش فعالند، متحدانی که می‌توانند با فشار بیرونی با مراکز علمی همکاری کنند، متحدانی هستند که ازین نتایج پژوهش می‌آموزند و شاید ما به آن توجه کمتری کرده‌ایم، متحدان خردمندی هستند که قادر به ارزیابی اهمیت دانش علمی و جانمایی آن در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هستند، دو نمونه‌اش در کشور آلمان اجرا شده، من خودم در این سمیناری که این دستاوردها ارائه شد شرکت داشتم، همانطوری که شما ملاحظه می‌فرمایید، آن چیزی که بیشتر اینجا مدنظر هست تحلیل ذی‌نفعان هست، جناب آقای دکتر عواطفی همت استاد محترم سیاست جنگل دانشگاه تهران حضور دارند، ما بزرگترین تصمیم‌گیری‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور را بدون تحلیل ذی‌نفعان تهیه می‌کنیم و بعد اجرا می‌کنیم. مثال دیگریست که اینجا باز بر روی تحلیل محتوا تمرکز شده، تحلیل محتوایی که خانم دکتر زحمت کشیدند و یکی از نمونه‌هایش را برای حاضرین محترم در جلسه ارائه کردند، در این کتاب ۶ طرح بزرگ ملی در کشور اتریش معرفی شده، پرسش اصلی و اهدافش آمده، بازیگرانش مشخص شدند که من خواهش می‌کنم که عزیزان لطف کنند و این کتاب بسیار بسیار ارزشمند رو مطالعه کنند. عرض می‌کنم سال‌هاست ما تحقیق می‌کنیم، بهره‌برداری هم انجام می‌دهیم منتهی عرض می‌کنم به اینتگریشنی، ادغامی کمتر درکار است، جالب اینجا هست که پرفسور کرات و پرفسور بوشا دقیقا در پیشگفتار این کتاب نوشته‌اند که این مدل می‌تولند حتی به یک حرفه جدید به عنوان ادغام کننده، یعنی افرادی که به طور موفق پل‌هایی بین پژوهشگران و بازیگران سیاسی می‌سازند منتهی شود، یکی از آن جاهایی که می‌تواند این کار را انجام دهد انجمن جنگلبانی ایران هست، جامعه جنگلبانی ایران هست، موسسه مردم نهاد شمیم هست و آنجایی که من به نمایندگی از آن خدمت شما رسیده‌ام پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. دوستان منابع طبیعی و سازمان جنگل‌ها لطف کنند و آن دوستی قبلی‌شان را با مراجع سیاسی و سیاست‌گذاری تقویت کنند تا انشااله همتنطور که خانم دکتر فرمایش کردند سیاست‌ها از حالت اجباری به تدریج به سمت نیمه داوطلبانه و داوطلبانه برود، تشکر می‌کنم از کسانی که از عرایض من و فرمایشات سایر حضار انشااله استفاده خواهند کرد. عرایضم را با یک فرمایش از قرآن کریم پایان میدهم، که فرمایش کردند که آیا کسانی که می‌دانند و نمی‌دانند یکسان هستند؟ «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟» ما امروز که از این در خارج می‌شویم با توجه به آن مطالبی که در جلسه شنیده‌ایم مکلف و موظف هستیم که این مطالب را عمل کنیم انشااله، تشکر می‌کنم.

پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی

معرفی مدل
RIU

سیاسی شدن علم
یا
علمی شدن سیاست

محمد پیرصوفی اصلی

۱۷ بهمن ۱۳۹۸

بنام نقشبند صفحه خاک

مولفان (پژوهشگران)

Prof. Max Krott

Prof. Michael Böcher

مترجم گرامی
جناب آقای دکتر مهدی کلاهی
دانشگاه فردوسی مشهد

کتاب منبع

A clear road map that shows
How to transfer scientifc results into
Practice and political action

۱۳۹۷

2016

5

مقدمه:

سیاست Policy

تابلوی نصب شده در میدان جنب تالار حکمت پردیس دانشگاه گیلان

6

مقدمه:

سیاست Policy

① Policy محتوی
② Poity ساختار
③ Politics فرایند

(Schubert, Bandelow; 2009)

****

Purpose: هدف
Conflict Resolution

(Krott, 2005)

Research- Integration- Utilization
RIU

پرسش های اصلی	الزامات مدل
1. Is there scientific research high quality?	فراهم کردن فاکت های نو و "تجربه پذیر قابل استناد" توسط پژوهش
2. Is there pluralistic and foresighted integration?	ادغام دانش جدید در عمل بر اساس چارچوب های سیاسی
3. Is there assurance of a democratic utilization?	کاربست یافته های جدید و بر اساس آن مفاهیم جدید توسط سیاست، عمل و دانش

Research- Integration- Utilization
The RIU model of scientific knowledge transfer

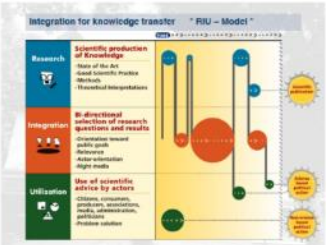

Allies

Allies are all actors that support knowledge transfer from science into political practice by means of their power.

Allies for a Successful Transfer of Knowledge	
Internal Allies	فعال در فرآیند پژوهش و بهره برداری از نتایج
External Allies	دارای قدرت اعمال فشار بیرونی برای همکاری با علم
Learning Allies	براساس منافع خود از پژوهش و نتایج آن می آموزند
Wise Allies	قادر به ارزشیابی اهمیت دانش علمی و جاغابی آن در فرآیند تصمیم گیری

شاخص های کیفیت	فاز
Assessing current scientific information	پژوهش High Quality Scientific Research
Compliance with the procedures of good scientific practice	
Cooperation with other scientific institutions and projects	
Independent meaningfulness of scientific findings	
Orientation toward *public goals* (like sustainability, ...)	ادغام Pluralistic Foresighted Integration
Relevance in regard to *political processes*	
Relevance in regard to "Allies"	
Target-group oriented intermediation	
Contribution to democracy	بهره برداری Democratic Utilization
Contribution to rule of law (constitutional legality)	
Contribution to "good governance"	
Appropriate solutions to problems	
Participation in the scientific discourse	

مثال دو

مثال یک

What makes the world go round?

مثال های کتاب

	عنوان	پرسش اصلی	اهداف
۱	دست به دست هم - زندگی ۲۰۱۴	چگونگی چشم انداز ، کاربری اراضی و جامعه ظرف ده سال	. سناریوهای آینده توسعه موفق پایدار منطقه ای . طراحی پروژه های عملی برای توسعه پرثمرک منطقه ای
۲	گردشگری اسکی در چارچوب تغییر اقلیم	تعیین اثرات تغییر آب و هوا بر منطقه ورزش های زمستانی	. توسعه سناریوها . توسعه اقدامات و اقداماتِ جایگزین
۳	شاخص های تاثیر انسان بر زیست کره و توسعه پایدار	چگونگی کاربردی کردن توسعه پایدار توسط شاخص ها	توسعه شاخص ها
۴	کشاورزی و باغبانی وین	تعیین نقش کشاورزی وین	. طراحی گزینه های توسعه کشاورزی
۵	عملی کردن دستورالعمل چارچوب آب اتحادیه اروپا	تعیین انواع چشم انداز رودخانه ها و خصوصیات طبیعی آنها	. گونه شناسی آبهای جاری . توصیف کیفیت بوم شناختی آنها
۶	پارک ملی دریاچه نوی زیدلر	چگونگی ساماندهی علمی وظایف مدیریت پارک بحثی قانونی	. فراهم کردن مبنای علمی

با سپاس از توجه یکایک حاضران محترم

2020 – Forests and Biodiverstiy

با سپاس از توجه یکایک حاضران محترم

2020 – Forests and Biodiverstiy

۱۳- مجموعه گفتگوهای گروه سیاست، شورای سیاست‌گذاری و کمیته محورهای همایش ملی چشم‌انداز جنگل‌های کشور به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر کمیته‌ی تخصصی سیاست (در فضای مجازی و جلسات مرتبط)

این گفتگوها در سه بخش شامل:

۱- گروه مجازی محور سیاست و راهبردهای همایش؛

۲- شورای سیاست‌گذاری همایش (مجازی و حضوری)؛

۳- گروه مجازی اعضای کمیته محورهای همایش انجام‌شده است.

۱۳-۱- گروه مجازی محور سیاست و راهبردهای همایش

پیرصوفی: حسب تصمیم برگزارکنندگان محترم همایش مقرر شده است با مشارکت حداکثری اعضای محترم محور سیاست‌ها و راهبردها، یک موضوع اصلی و سه موضوع فرعی متناسب با آن را در ارتباط با عنوان همایش مشخص کنیم تا بر این اساس مشخص شود، در قالب پیش نشست‌ها و مقالات و سخنرانی‌های همایش اصلی به کدام مسائل باید پرداخته شود.

همان‌گونه که مستحضرید، **سیاست از سه عنصر محتوی، فرآیند و ساختار** تشکیل شده است.

بر این اساس اگر بر اساس پژوهش‌ها، مطالعات و نظرات کارشناسی، سیاست‌های قبلی و فعلی از کارآمدی لازم و کافی برخوردار نبوده‌اند، شایسته است به‌جای پرداختن صرف به «محتوا» به دو مقوله‌ی سازنده و تشکیل دهنده آن بپردازیم:

- **ساختار سیاست‌گذاری**
- **فرآیند سیاست‌گذاری**

نتایج پژوهش‌های سرکار خانم دکتر محمدی کنگرانی (که اخیرا هم در نشست ساری ارائه شد) در ارتباط با مواد مرتبط با بخش جنگل در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی اجتماعی حکایت از این دارد که برنامه‌های این بخش اجباری است.

این اجبار و تسلط رویکرد از بالا به پایین (که در بسیاری از امور و موضوعات کشور هم وجود دارد) تاکنون آسیب‌های فراوانی را به‌ویژه به جنگل‌های کشور وارد کرده است.

یکی از اصلی‌ترین راهکارهایی که برای تعدیل این اجبار و میل به سیاست‌ها و برنامه‌های نیمه داوطلبانه و داوطلبانه در جهان بکار گرفته شده است، استقرار رویکرد حکمرانی Governance است.

در سال ۲۰۱۵ میلادی در یک نشریه آلمانی زبان، یک مقاله علمی- ترویجی به چاپ رسید با عنوان اصلی: ستیز بی‌پایان و عنوان فرعی: چرا جنگلداری همیشه یک‌رشته‌ی ستیزه‌ای باقی خواهد ماند و چطور می‌توان با آن به طریق ارتباطی کنار آمد؟

این مقاله تاکید می‌کند که هر دودسته موافقان و مخالفان هر موضوعی از چهار دسته مشروعیت برای استدلال‌های خود بهره می‌برند: ۱- دانش؛ ۲- اخلاق؛ ۳- رای اکثریت؛ و ۴- قانون.

علاوه بر مطالب راه‌گشای دیگر، در پایان مقاله چهار توصیه برای کنار آمدن با رشته‌ی ستیزه‌ای جنگلداری (از منظر سیاست‌گذاری) ارائه شده است:

۱. گرد هم آوردن نمایندگان نظرات متفاوت (کاری که برگزارکنندگان همایش تاکنون بر آن اهتمام داشته‌اند و هنوز نیازمند تکمیل است).

۲. حضور نمایندگان نظرات متفاوت نزد مخاطبان و افکار عمومی (کاری که مدت‌هاست سایر رشته‌ها مانند جغرافیا، توسعه روستایی و... در مکان‌هایی مانند خانه اندیشمندان علوم انسانی آغاز کرده‌اند و ضرورت دارد ما هم هر چه زودتر آن را شروع کنیم). توصیه‌های سوم و چهارم در خدمت توصیه‌های قبلی است.

۳. ارائه مختصات دقیق هر دستگاه فکری. روشن شدن مواضع در همه سطوح از سیاست‌ها تا پروژه‌های پیشنهادی؛ که در بحث‌هایی که تاکنون شده است جای آن بسیار خالی است.

۴. تهیه محتواهای ارتباطی ساده (ملهم از بند سه) برای مخاطبان عمومی.

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، بر اساس پژوهش ارزشمندی که با راهنمایی جناب آقای دکتر شامخی انجام‌شده است، **سیاست‌های پیشنهادی برای جنگل‌های شمال به ترتیب اولویت عبارت است از:**

۱) حفاظت؛
۲) احیای جنگل؛
۳) توانمندسازی جوامع محلی؛
۴) اصلاح قوانین جنگل؛
۵) تقویت همکاری‌های بین بخشی؛
۶) گردشگری پایدار؛
۷) ارتقا و تقویت سازمان اداره‌کننده جنگل؛
۸) اصلاح فرآیندهای قضایی؛
۹) آموزش و ترویج؛
۱۰) توسعه مشارکت بخش غیردولتی؛ و
۱۱) توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی.

در صورت صلاحدید و تمایل شما عزیزان، می‌توانیم این اولویت‌بندی را مبنای جمع‌بندی نظرات متفاوت قرار بدهیم. علاوه بر نظرخواهی از اعضای محترم کمیته‌های محورهای هفت‌گانه برای تکمیل و تدقیق این اولویت‌بندی‌ها، می‌تواند در گام بعدی با محوریت کمیته‌ها یا محوریت آراء متفاوت به ترتیب:

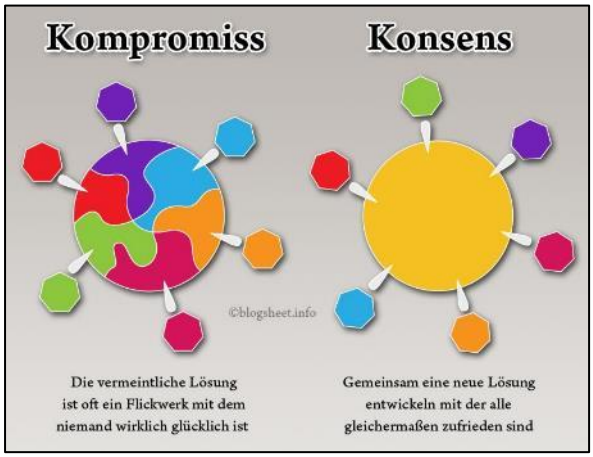

– راهبردها
– ساختارها و
– پروژه‌های عملیاتی لازم برای تحقق این سیاست‌ها تهیه شود و سپس با کمک خود آن‌ها زمینه‌سازش را فراهم کرد.

بر اساس دانسته‌ها و تجربیات مستقیم و غیرمستقیم، به‌هیچ‌عنوان امکان هم رایی و اجماع consensus درباره فلسفه تعاملی با طبیعت و سیاست‌ها از اساس وجود ندارد.

علائق مادی interests و علائق معنوی values آدم‌ها منحصربه‌فرد است. از طرف دیگر خدمات متنوع اکوسیستمی جنگل‌ها، گزینه‌های متفاوتی را در معرض این علائق مادی و معنوی متفاوت قرار می‌دهد که حتی امکان هم‌رایی برای سیاست‌ها را نیز از بین می‌برد.

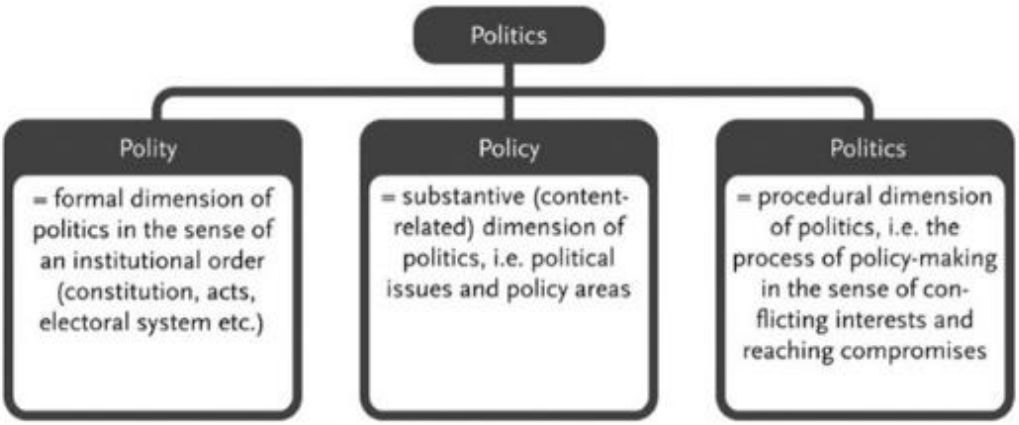

Figure 1.5: Politics as a multi-dimensional process.[75]

۱۳-۲- شورای سیاست‌گذاری همایش

پیرصوفی:

۱. ترکیب گروداران یا بازیگران سیاست جنگل در دهه‌های اخیر تفاوت چشمگیری با زمان شکل‌گیری جنگلداری و آغاز تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری دارد. بدون پذیرش این واقعیت نه‌تنها رشته جنگلداری راه بجایی نمی‌برد، بلکه در آینده بیش‌ازپیش شاهد پدیده‌هایی مانند تنفس (استراحت یا توقف بهره‌برداری رسمی چوب از جنگل‌های شمال) خواهد بود.

تحلیل اولیه من از بحث‌های اعضای محترم گروه کمیته‌های تخصصی این است که صلبیت چارچوب‌های ذهنی متخصصان ارجمند رشته تخصصی جنگل‌داری مانع دستیابی به طرح توافقی برای آینده جنگل‌های کشور است. با افتخار با همدیگر گفت و شنید می‌کنیم. بی‌تردید برای اعمال مدیریت به طرح مدیریت نیاز داریم. آنچه در این میان مهم‌تر است و در بحث‌های هفته‌های اخیر از آن به‌طورجدی غفلت شد، این است که نتیجه همه بحث‌ها با هدف تعیین چشم‌انداز و تحول مدیریت (عنوان ارزشمند همایش) با تقلیل‌گرایی نادرستی باز به همان مفهوم کلیدی سال ۱۳۳۸ یعنی طرح جنگلداری ختم شد. رشته جنگل‌داری باید معطوف به آینده تغییرات اساسی کند.

از تجربیات عزیزان گران‌قدر، زمانی می‌توانیم استفاده کنیم که بجای اصرار بر مواضع شخصی و قبلی‌شان، با هدف سازش و مصالحه compromise (به‌عنوان راهکار اصلی فرآیند سیاست) بحث کنند.

برای رسیدن به محتوای سیاستی نوین، نیازمند **۱) ساختار و ۲) فرآیند سیاست‌گذاری نوینی** هستیم.

همان‌گونه که به‌درستی در عنوان همایش نیز آمده است، باید از تعیین چشم‌انداز (محتوی) با مشارکت گروداران اصلی (ساختار) و با یک فرآیند منجر به سازش compromise هستیم.

وقتی از ساختار حرف می‌زنیم و منظورمان در ارتباط با سیاست‌گذاری است، باید به اینکه در ارتباط با سیاست‌گذاری در کدام سطح (ملی، منطقه‌ای و محلی) حرف می‌زنیم، به‌طورجدی توجه کنیم. تاکنون مراد من سطح ملی بوده است. بدیهی است که این سطوح نه‌تنها با یکدیگر بلکه با سطح بین‌المللی هم در تعامل جدی هستند.

در ساختار حکمرانی (مطلوب) سیاست‌گذاری علاوه بر حاکمیت state و جامعه مدنی civil society به‌طورجدی به مشارکت ضلع سوم یعنی بازار Market نیاز دارد. این در حالی است که تاکنون نمایندگانی از این رکن مهم در

گروه‌ها حضور نداشتند. جا دارد با مشورت و اهتمام همکاران محترم به این امر مهم بپردازیم و هرچه سریع‌تر این نقیصه را برطرف نماییم.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نیابم به‌قدر وسع بکوشم

جناب آقایان دکتر سعید و مجنونیان بر ضرورت تحول در سازمان جنگل‌ها تاکید دارند که جای تامل فراوان دارد. در همین ارتباط به نظرم آمد، شاید جدول زیر بتواند راهگشا باشد،

چهار الگوی تغییر و تحول در سازمان:

۱-چارچوب‌بندی مجدد، ۲- تجدید ساختار، ۳- تجدید حیات، ۴- نوسازی افراد

در ارتباط با ادامه روند روزهای اخیر نکات زیر را به استحضار می‌رسانم:

۱) اگرچه همه‌ی ما می‌دانیم که نظرات و گفته‌های آدم‌ها از برداشت (درک) شخصی‌شان از دانش و تجربه‌ی آن‌ها (و نه خود دانش و تجربه) ناشی می‌شود، اما در جریان بحث‌ها کمتر این اصل را به خاطر می‌آوریم و در گفت و شنیدهایمان به‌اندازه لازم به آن توجه نمی‌کنیم.

درصورتی‌که توجه بیشتر به آن می‌تواند زمینه‌ساز مصالحه و سازش بیشتری شود.

جمله معروفی است از یکی از سیاست‌مداران و استادان برجسته علوم اجتماعی انگلیسی آلمانی پروفسور رالف دارندورف که می‌گوید: آنچه بحث‌برانگیز نیست، ارزش گفتن ندارد.

مستحضرید که نه‌تنها در علوم انسانی، بلکه در سایر علوم نیز، تعریف و حل مسئله با رویکردهای Approaches متفاوت و حتی متضاد می‌تواند صورت گیرد.

بر اساس برداشت من ایده پیشنهادی جناب آقای دکتر لطفعلیان می‌تواند دریکی از واقع‌گرایانه‌ترین رویکردها، زمینه تعریف و حل مسئله را فراهم کند.

گمان می‌کنم برای پیشبرد بحث‌ها و امور، می‌توان ضوابط روشنی تعیین و اعلام کرد تا در صورت عدم رعایت و پایبندی به آن‌ها، آن عضو محترم (باوجود دانش و تجربه فراوان) در ادامه کار شرکت داده نشود.

مستحضرید که برای دستیابی به معادله‌ها، متاسفانه همیشه نقاط خارج از ابر حذف می‌شوند.

همان‌گونه که جناب آقای دکتر لطفعلیان گرامی اشاره‌ای هم به موضوع مشارکت داشتند و آرنشتاین در نردبان معروف مشارکتش به‌خوبی تبیین کرده است، آدم‌ها می‌توانند از دست‌کاری و حقه‌بازی manipulation به شهروند ناظر citizen control ارتقا یابند.

مانند هر نردبان دیگری، بالا رفتن از نردبان مشارکت هم کار آسانی نیست.

این انتخاب ماست که می‌خواهیم به‌عنوان متخصص و دانشگاهی و پژوهشگر و...، نه در حرف، بلکه در عمل کجای نردبان مشارکت باشیم.

بدیهی است اظهار نظرهایی که به‌طور مستقیم یا حتی غیرمستقیم، نافی یا سست کننده چارچوب اصلی کار باشند، به‌طورجدی باعث سلب مشروعیت از بحث و کاهش مشارکت اعضای محترم در بحث‌ها می‌شوند.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

به گمان من هم مسئله اصلی همان‌جاست؛ در چهار پنج سال پیش: بودن یا نبودن بهره‌برداری چوبی اساس SFM هم بهره‌برداری چوبی است. در غیر این صورت برای طرح حفاظتی که نیاز به این‌همه جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل و... نیست. دوستان ما در معاونت جنگل سازمانی موسوم به جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در حالی به تهیه طرح موسوم به جایگزین مشغول‌اند که در بلاتکلیفی کامل سیاستی و استراتژیک به سر می‌برند!

برای اینکه هنوز به پرسش‌های کلیدی که استاد گران‌قدرم سرکار خانم دکتر شادی طلب در مقاله بیست سال پیش‌شان مطرح کرده‌اند، پاسخ نداده است و از همه مهم‌تر همین پرسشی که مبنای مبحث‌های جدی سال‌های اخیر است: آیا هنوز باید جنگل‌های شمال کشور برای تولید چوب مدیریت شوند؟!

و شما بسیار بهتر و بیشتر از من می‌دانید که اگر این‌طور باشد، چطور همه چیز باید در خدمت این تصمیم قرار گیرند. بیش از هر چیز لازم است که این فرض تبدیل به اصل شود؛ و مشخص شود جنگل‌هایی که پیش‌ازاین با درآمدهای ناشی از قطع درخت و فروش چوب اداره می‌شدند، ازاین‌پس با کدام اعتبار و بودجه «اداره» (و نه صرفا پرداخت حقوق قرقبان‌ها) می‌شوند و درکل با چه مکانیسمی پایداری جنگل تضمین خواهد شد.

آخرین یادداشت در شورای سیاست‌گذاری همایش: در مناظره‌ای که بعدازظهر چهارشنبه [۳۱ اردیبهشت ۹۹] با حضور اسکایپی استاد گران‌قدرم جناب آقای دکتر سعید و آقایان دکتر فخاری و مهندس نصرتی در اکو ایران برگزار شد، جناب آقای دکتر سعید یک جمله‌ی بدیهی اما درخشان فرمودند: سازمان جنگل‌ها به‌غلط می‌خواهد از جزء به کل برسد، درصورتی‌که باید از کل (سیاست) به (برنامه و طرح) رسید.

۱۳-۳-گفتگوها، نظرات و بیان دیدگاه‌های زنده‌یاد دکتر محمد پیرصوفی در کمیته‌ی تخصصی محورها، گروه واتس‌اپ

درود فراوان بر همکاران گرامی، شب بخیر و شادی

شورای محترم سیاست‌گذاری همایش از ابتدا در پی آن بوده است که بستر لازم را برای رسیدن به همسازی compromise بین بازیگران موضوع جنگل‌های شمال فراهم آورد. استفاده از مفهوم چشم‌انداز در عنوان همایش، همین مقصود را نمایندگی می‌کند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد، اگرچه بند ف ماده ۳۸ قانون برنامه ششم تااندازه‌ای عکس‌العملی به نتایج تهیه‌ی سنتی و اجرای گاهی نادرست طرح‌های جنگلداری (به‌عنوان طرح‌های مدیریتی) بود و هست، اما پیش و بیش از آن، ناشی از تغییر ساختار و تقویت تاثیر دیگر گروداران کلیدی سیاست‌گذاری جنگل در کشور بود. برای رسیدن به محتوای سیاستی نوین به‌عنوان پیش‌نیاز طرح‌های جایگزین در جنگل‌های شمال؛ نیازمند

۱) ساختار و

۲) فرآیند سیاست‌گذاری نوینی هستیم.

به همین منظور قصد داریم با همفکری و مشارکت اعضای محترم این گروه و دیگر علاقه‌مندان، زمینه و بستر لازم برای «ساختار نوین» و «فرآیند نوین سیاست‌گذاری» برای جنگل‌های شمال کشور را فراهم کنیم.

امیدواریم در بحث‌های ارزشمند امروز بتوانیم ابعاد مفاهیم بالا را از منظر محورهای تخصصی همایش تبیین و بررسی کنیم. قدردان شما برای نظرها و پیشنهادات راهگشایتان هستیم.

- درود فراوان بر همکاران گرامی

شب شما بخیر و شادی و خدا قوت

از همکاران گرامی که در بحث‌ها مشارکت کردند، به‌نوبه خودم تشکر می‌کنم. به‌ویژه از جناب آقای دکتر عواطفی همت گرامی برای تاکید بجایشان قدردانی می‌کنم. بر اساس منابع آنچه ما را به یک سیاست می‌رساند، همسازی، سازش، مصالحه compromise است.

- جناب آقای دکتر لطفعلیان گرامی

با سلام و روز بخیر و عرض پوزش از تاخیر در پاسخ مستقیم به متن جنابعالی، گمان می‌کنم در متون قبلی به‌طور غیرمستقیم درباره بخشی از مطالب جنابعالی صحبت شد. باوجوداین شایسته است تاکید کنم، باوجود تلاش‌های ارزشمند انجام‌شده درباره سیاست جنگل کشور عزیزمان، باوجود نقش تأثیرگذاری که می‌تواند و باید در حصول سازش compromise برای ساماندهی به کشاکش‌ها در بخش جنگل داشته باشد، تاکنون در مقایسه با دیگر زیر بخش‌های تخصصی علم جنگلداری مانند جنگل‌شناسی، مهندسی جنگل و غیره، تاثیر لازم برای عمل به مسئولیت کلیدی خودش را (در مثال جنابعالی به‌عنوان رهبر ارکستر) کمتر داشته است. برگزارکنندگان محترم این همایش امیدوارند با وحدت بخشی به متخصصان محترم این بخش و جلب همکاری متخصصان گرامی رشته‌های تخصصی مرتبط و پشتیبان مانند سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی و غیره تا حد ممکن این عقب‌ماندگی را جبران نمایند. تضمین موفقیت سیاست‌ها موضوع مهم دیگری است که به آن اشاره داشتید. دراین‌ارتباط به طرح دو نکته به‌اختصار بسنده می‌کنم.

۱) همان‌گونه که در کتاب ارزشمند قدرت علم و پویایی جهان (ترجمه ارزشمند و بسیار به‌موقع و بجای جناب آقای دکتر کلاهی گرامی) مطالعه فرمودید، موفقیت سیاست‌ها مانند هر حوزه دیگری منوط به استفاده بهتر و بیشتر از علم است. فقط در اینجا یک مسئله بزرگ وجود دارد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، موضوع سیاست قدرت است. درحالی‌که موضوع علم، حقیقت و این ناسازگاری کار را بسیار سخت می‌کند. در همین کتاب ارزشمند، راهکار موفقیت بیشتر سیاست‌ها با بهره‌مندی بیشتر از علم به‌خوبی شرح داده شده است.

۲) پیشنهاد دهندگان بین‌المللی تهیه برنامه ملی جنگل تاکید می‌کنند، سیاست و برنامه‌ای که با مشارکت جدی گروداران تهیه می‌شود، شانس به‌مراتب بیشتری برای اجرا و موفقیت در اجرا دارد. در این صورت، سیاست به‌مثابه تعهدنامه‌ای است که اجراکنندگان آن (همان گروداران) آن را تهیه و پای آن امضا زده‌اند. خاطرنشان می‌کنم که بر اساس ماده چهار «برنامه بهینه‌سازی پایش، حفظ، بهره‌برداری و مدیریت جنگل‌های کشور مصوب سال ۱۳۹۲»، وزارت جهاد کشاورزی موظف بود آن را ظرف مدت یک سال تهیه و به هیئت‌وزیران ارائه نماید. امیدوارم پاسخ بعضی از چراهای شما داده شده باشد. (بدیهی است که این روایت من بود. امیدوارم روایت‌های دیگر را هم شاهد باشیم). در خصوص فلوچارت مسائل هم پیشنهاد مشخصی وجود دارد که در نوبت بعدی تقدیم می‌شود.

- با سپاس از تلاش‌های همیشگی ارزشمند جناب آقای مهندس جباری گرامی و متنی که مرقوم کردند، جا دارد پیش از پاسخ به آن، نکته مهمی روشن شود: امروز در پی تعریف گروداز (دست‌اندرکار، ذینفع و...) هستیم. پیش‌ازاین در پی تعریف سیاست و پس‌ازاین در پی تعریف مفهوم یا مفاهیم دیگری. تعریف و اجماع بر سر مفاهیم، اگرچه به‌عنوان نقطه عزیمت در بحث مهم است (باوجوداین هنگامی‌که شرایط مهیا نباشد، حتی می‌تواند به ضد خودش تبدیل و مانع عزیمت و عامل قفل شدن بحث یا روند علمی شود)، اما مهم‌تر از آن آشنایی با عرصه سیاست و سازوکارهای آن است.

جدایی گروداران و تصمیم گیران با نقش‌های غیر شفاف و نامشخص و با همپوشانی زیاد مسئولیت‌ها به شکل شکافی عمیق در سیاست‌گذاری جنگل نمایان است. طبیعی است در چنین شرایطی نمی‌توان به موفقیت طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌هایی مانند صیانت، خروج دام، ساماندهی جنگل نشینان، بهینه‌سازی پایش و غیره امید چندانی داشت. همان‌گونه که سرکار خانم دکتر محمدی گرامی در نشست اخیر ساری به‌درستی تاکید کردند، دوران سیاست‌های اجباری به پایان رسیده و شایسته است به سیاست‌های نیمه داوطلبانه و ساختارها و فرآیندهایی که ما را به این سیاست‌ها می‌رساند روی بیاوریم. نمونه بومی علمی آن را هم امروز استاد گرامی جناب آقای دکتر معیری (به نقل از رساله دکتری جناب آقای موسوی نوکنده) ارائه کردند. با نمونه عملی آن هم آشنا هستیم: پروژه یخکش.

- درود فراوان بر همکاران گرامی

آدینه شما بخیر

بدیهی است هر یک از ما همواره بر اساس درک یا برداشتی perception که از تجربه و تخصص خودمان داریم، سخن می‌گوییم، تصمیم می‌گیریم و رفتار می‌کنیم. پیش از ورود به مباحث تخصصی‌تر و برای روشن‌تر شدن آن‌ها، شایسته است به چند نکته مهم اشاره شود:

– سیاست جنگل به رابطه بین جنگل، جنگلداری و جامعه می‌پردازد. همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید جامعه در اینجا نقش پررنگی دارد.

– اگرچه از ابتدا تاکنون دانشمندان علم سیاست موضوع اصلی آن را قدرت یا Power (به معنی سلطه) می‌دانند و همین‌طور هم هست، اما برخی دانشمندان متاخر برای اینکه فرصت بیشتری در اختیار بشر بگذارند، نقش و تاثیر بیشتری برای ذهنیت و روحیه mentality در سیاست قائل شده‌اند. آنچه سرکار خانم دکتر محمدی کنگرانی در نشست اخیر ساری به‌درستی بر آن تاکید کردند: معرفت سیاسی.

– بیشتر منابع علمی سیاست‌گذاری، وظیفه اصلی آن را سامان بخشی به کشاکش‌ها conflict regulation دانسته‌اند. در حال نوشتن ادامه این جمله بودم که متن بالای جناب آقای دکتر اعتماد گرامی منتشر شد که به‌درستی توضیح همین مطلب است.

- درود فراوان بر جناب آقای مهندس انگورج ارجمند. عصر شما بخیر. از نقد ارزشمندتان بسیار سپاسگزارم. کوتاه موارد مهم‌تر را توضیح می‌دهم.

۱) صفت سنتی برای تهیه «طرح‌های جنگلداری» را از آن جهت جایز شمردم که دست‌کم از سه دهه پیش مواردی را سراغ دارم که وقتی افراد خلّاقی، طرح‌هایی برای بهره‌برداری چندمنظوره از جنگل‌های شمال به سازمان پیشنهاد کرده بودند، مسئولان محترم سازمان باوجود استقبال از این پیشنهادات، چارچوب‌های اداری (و شاید قانونی!) را مانع از استفاده از آن‌ها دانسته بودند. نمونه دیگر هم استفاده از گواهی‌ها (مقاله استاد گران‌قدرمان جناب آقای دکتر شامخی در همایش سال ۱۳۸۴) است که تا آنجا که مطلعم کمتر به آن توجه شد. نمونه‌های دیگری هم هست.

۲) جمع بستن طرح جایگزین دو علت داشت:

نخست آنکه تنها تهیه یک طرح جایگزین، کمتر شانس موفقیت دارد. ضرورت دارد دست‌کم دو یا سه طرح تهیه و پس از اجرا در سطح پایلوت، ارزیابی و مناسب‌ترین آن‌ها برای جنگل‌های شمال کشور انتخاب شود.

دوم و آخر آنکه، وقتی از طرح‌های جنگلداری صحبت می‌کنیم، حتما می‌توانیم از طرح‌های جایگزین هم صحبت کنیم.

۳) همه سطوری که مرقوم کردید را می‌پسندم، سطور پایانی را بسیار بیشتر.

۴) امیدوارم بتوانیم در این مسیر ارزشمند از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، به‌طور شایسته استفاده کنیم. دانش و تجربه جنابعالی و مدیران و کارشناسان پیش‌کسوتی چون شما، روشنی‌بخش راه ماست. همیشه تندرست و بیش‌ازپیش کامیاب و شادباشید. با احترام فراوان

- همان‌گونه که می‌پذیریم علومی مانند شیمی، فیزیک، اقتصاد، جنگل‌شناسی، جنگلداری و غیره همان‌گونه که در کشورهای پیشرفته، راهگشاست می‌تواند در کشورهای عقب‌مانده هم ثمربخش باشد، علم سیاست‌گذاری هم می‌تواند. تردیدی نیست که این ثمربخشی مانند همان فیزیک و شیمی، سخت محتاج لوازم و شرایط لازم برای تحقق خواسته هاست.

- فراگیر بودن
- رعایت انصاف
- وضوح اهداف، شفافیت و پاسخ‌گویی
- ظرفیت و اطلاعات
- بهره‌وری و اثربخشی
- نهادینه کردن، ساختاربندی و تلفیق
- قابلیت انطباق

اصول کلیدی برای سیاست‌گذاری در همه جای جهان است. به تعبیر استاد ارجمندم جناب آقای دکتر سعید: «بی‌مایه فطیر است.»

- به‌نوبه‌ی خودم از برگزارکنندگان این گفت و شنید و بزرگوارانی که در بحث‌ها مشارکت دارند، سپاسگزاری می‌کنم. آن‌چنان‌که در منابع آمده است، تمایز بین مشارکت عمومی و همکاری گروداران ضروری است. مشارکت عمومی شامل طیف وسیعی از روش‌های طراحی شده برای مشورت، درگیر شدن و اطلاع‌رسانی جوامع محلی و شهروندان یعنی همه مردم است. درحالی‌که همکاری گروداران از جامعه مدنی و کاربران نهایی نیز فراتر رفته و به گروه‌های دیگری از فعالان داخل و خارج از بخش جنگل، در فعالیت‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی می‌رسد. بر این اساس علاوه بر مواردی که ذیل گروه‌ها آمده است، پیمانکاران و موسسات مالی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. همچنین جا دارد علاوه بر محققان و دانشگاهیان از نقش و تاثیر فراوان شرکت‌های مهندسی مشاور غافل نشویم. به

تعبیر ساده‌تر، گرودار کسی است که نقش و مسئولیت کاملا مشخصی در حکمرانی جنگل دارد و برای کوتاهی و تخطّی از وظایفش به‌طورجدی مواخذه و جریمه می‌شود. تنها در این صورت است که راه برای فرار از مسئولیت و پاسخگو نبودن بسته می‌شود. صرف انتظار داشتن کافی نیست. گرودار مسئولیت (هایی) هم دارد؛ و بر اساس همین مسئولیت‌های از پیش تعریف شده و تقسیم کار است که می‌توان همکاری‌ها را ارزیابی و نظارت کرد.

پی‌نوشت: گمان می‌کنم همین‌جا فرصت مناسبی است تا به‌نوبه‌ی خودم از حدود دوسوم اعضای محترم این صفحه که تاکنون اصلا و یا بسیار کم در بحث‌ها شرکت داشته‌اند، خواهش کنم متناسب با انتظاراتشان در گفت و شنیدها شرکت کنند و مسئولیت‌پذیری‌شان را در قبال موضوعاتی که مطرح می‌شود و آینده جنگل‌های کشور به آن‌ها بستگی دارد، نشان دهند.

- درود فراوان بر استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر سعید، روز شما بخیر و شادی، خدمت شما استاد بزرگوارم همیشه درس پس می‌دهم. اشتراک‌های چهار پرسش جنابعالی بر یک دوگانه تاکید دارد: حکومت و ملت. ضرورت اصلی برای تغییر وضعیت نامطلوب فعلی، عبور از دوگانه حکومت–ملت و مشخص کردن نقش و وظیفه گروداران متعدد در هر بخش است. صد برگزارکنندگان این همایش این است که با ایجاد سازش، مصالحه و توافق بین گروداران بخش جنگل، ۱) چشم‌انداز و ۲) ره نگاشت رسیدن به آن را در ارتباط با جنگل‌های شمال کشور عزیزمان تعیین کند. تا آنجا که از منابع علمی سیاست و سیاست جنگل متوجه می‌شوم، اگر دست‌اندرکاران یک بخش تصویر روشن‌تری از «سیاست‌ها» (به‌عنوان تنظیم‌کننده‌های کشاکش‌های آن بخش) بسازند، امکان کامیابی آن‌ها افزایش می‌یابد. بدیهی است که در شرایط دشوار فعلی حاکم بر کشور دستیابی به کامیابی دشوار است اما با تعیین مشارکتی چشم‌انداز و ره نگاشت نیرویی جمعی ایجاد می‌شود که امکان موفقیت را افزایش می‌دهد.
- در ارتباط با پرسش ناامیدکننده و جواب صادقانه متن جناب آقای دکتر لطفعلیان نکات زیر را بر اساس، منابع علمی پیشنهاد می‌شوند: الف) همان‌گونه که جناب آقای دکتر لطفعلیان در قالب پرسش امیدوار کننده‌شان به نیکی تشریح کردند، هنگامی‌که یک سیستم غیرانسانی توسط خبرگان تصحیح و تکمیل می‌شود، به‌تبع آن تا اندازه قابل‌توجهی رفتارهای انسانی هم اصلاح می‌شوند. سیستم‌های ارزیابی کیفیت مانند ایزوها یا گواهی‌های جنگل از مصادیق بارز این رویکرد هستند. ب) همان‌گونه که مستحضرید، در حکمرانی علاوه بر دو ضلع حاکمیت State و بازار Market، ضلع سوم جامعه مدنی Civil Society نیز نقش تعیین‌کننده‌ای می‌تواند داشته باشد. اگر جلساتی مشابه آنچه اخیرا به همت همکاران محترم دانشگاه ساری برگزار شد، در دیگر دانشگاه‌ها و به‌صورت فصلی برگزار شود، جرم و حجم تأثیرگذاری از هماهنگی‌ها و همکاری‌ها در بخش ایجاد می‌شود. ج) علاوه بر موسسات دانشگاهی و پژوهشی (بند بالا)، انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی و تخصصی در همه جای جهان و حتی در کشور عزیزمان می‌توانند زمینه پیشرفت بخش، افزایش آگاهی موثر مردم و حتی رفتار مدیران را (با هزینه دار کردن تصمیمات غلط آن‌ها) فراهم کنند. در صورت استفاده از بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های فراوان سه انجمن تخصصی موجود در زمینه جنگل (انجمن جنگلبانی ایران، جامعه جنگلبانی و موسسه شمیم ایران) که در سراسر کشور صدها عضو دارند، می‌توان جواب صادقانه و درعین‌حال امیدوارکننده‌ای به پرسش شما برای تغییر رفتار مدیران و مردم داد. بدیهی است تقویت تجربه‌های پیشینی در این زمینه‌ها با استفاده از رویکردی میان/فرا رشته‌ای و استمرار خستگی‌ناپذیر آن‌ها از عوامل اصلی موفقیت در تأثیرگذاری هستند.
- شما که همیشه به نتیجه گفت و شنیدها امیدوار بودید و هستید. قصدتان این بود که امیدوارتر شدید. در مقایسه با بسیاری رشته‌های تخصصی دانشگاهی، بسیار کمتر ازآنچه تاکنون لازم بوده است، گفت و شنید کردیم. به گمان من این ابتدای راه و تمرین گفت و شنید در فضایی محدود است؛ برای اینکه بتوانیم در ادامه سال این گفت و شنیدها را

به فضاهای بزرگ‌تر و به‌ویژه عمومی‌تر ببریم. آنچه برای برنامه‌ریزی از پایین به بالا (تاکید بجای جناب آقای مهندس انگورج ارجمند)، پیش‌نیازی جدی است.

- درود فراوان بر جناب آقای دکتر بیرانوند گرامی، من با جناب آقای دکتر نوری نشاط عزیز و مطالب امروزشان دراین‌باره همسازی می‌کنم. اگرچه شاید به‌شخصه از آن‌ها خوشم نیاید و گمان کنم تعاریف و راه‌حل‌هایی دیگری دارم، اما از سر انصاف و دادن اصالت به کار و برای حصول سازش ترجیح می‌دهم به صف جناب آقای دکتر نوری نشاط بپیوندم. مشتاقانه منتظر راهنمایی‌های ایشان درباره چگونگی رسیدن به همسازی هستم.
- دستیابی به محتوای سیاست و حتی تعیین ساختار سیاست‌گذاری در گرو فرآیندی است که ما را به همسازی، مصالحه و سازش compromise رهنمون می‌شود و همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌فرمایید، راه‌حل پیشنهادی (ساختار پیشنهادی، محتوای سیاستی پیشنهادی) غالبا یک چهل‌تکه است از پیشنهادهای متفاوت. نه‌تنها اعضای محترم این گروه بلکه همه افراد و گروه‌هایی که مرتبط با بخش جنگل (طبیعی است که گروه‌های کلیدی نقش بیشتری دارند) هستند و هستیم، به همسازی، سازش و مصالحه نیاز داریم؛ حتی برای تعیین تکلیف اینکه مترادف فارسی Stakeholder چیست و چگونه تعریف می‌شود.
- به‌نوبه‌ی خودم از شما، برای تاکید تان بر پویایی و تلاش‌های فراوان جناب آقای دکتر فاضلی به‌ویژه در سال‌های اخیر تشکر می‌کنم. شاید هموندان گرامی کمتر جناب آقای دکتر محمد فاضلی عضو محترم هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی بشناسند و از فعالیت‌های اخیر ایشان و همکاران محترمشان در مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو کمتر با خبر باشند. جناب آقای دکتر لطفعلیان گرامی از ایشان برای نشست ساری در زمستان سال گذشته دعوت کردند که متاسفانه حضورشان مقدور نشد. تلاش می‌کنیم به‌زودی در اینستاگرام شمیم ایران در قالب یک مصاحبه زنده با جناب آقای دکتر فاضلی، از جزئیات فعالیت‌های مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو مطلع شویم تا بدانیم راه‌حل‌های برگزیده ایشان برای غلبه برای مشکل‌هایی که در برنامه تلویزیونی بالا مطرح کردند، کدامند. تا آن‌وقت، خوب است بدانیم عمده فعالیت‌های این مرکز معطوف به شناسایی گروداران (ذینفعان، نقش‌آفرینان یا هر معادل فارسی دیگری برای Stakeholders) و از آن مهم‌تر کشف چگونگی ادراک (awareness) گروداران از آب و انرژی برای تغییر ساختار سیاست‌گذاری و دستیابی به‌حکمرانی خوب در این دو بخش است.
- با بررسی منابع (به‌ویژه یک رساله دکتری در دانشگاه فنی درسدن آلمان با موضوع «تحلیل گروداران در مدیریت پایدار جنگل در سباح، مالزی» که فایل آن در قالب پیوست یک تقدیم می‌شود) و مشورت با برخی همکاران گرامی مشخص شد، تهیه لیستی جامع‌تر ازآنچه خود جنابعالی در فلوچارت آوردید، کاملا متناسب با سطح موضوع و مشخصات منطقه موردنظر و واحد مدیریتی آن تغییر می‌یابد و ارائه یک نسخه کلی مشروح در این زمینه ممکن نیست. از طرف دیگر در گزارش دیگری که به‌عنوان راهنمای ارزیابی حکمرانی آب در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است، تقسیم‌بندی گروداران حتی از تقسیم‌بندی فلوچارت پیشنهادی شما هم مختصرتر است (جلد گزارش و تقسیم‌بندی مربوطه در قالب پیوست دو و سه تقدیم می‌شوند). بر این اساس، تقسیم‌بندی فعلی فلوچارت برای این سطح از موضوع و ورود به مراحل بعدی (دست‌کم به‌عنوان ویراست اول فلوچارت در مقطع زمانی کنونی) به لحاظ علمی درست و کافی به نظر می‌رسد.
- مستحضرید که صرف تعیین این گروه‌ها از طرف ما، کار شناسایی و تعیین آن‌ها را به پایان نمی‌برد، بلکه تازه شروع می‌کند. تنها در فرآیند سیاست‌گذاری (که علاوه بر طراحی، اجرا و ارزیابی هم دارد) است که این گروه‌ها در عمل تعیین می‌شوند.
- درود فراوان بر جناب آقای دکتر لطفعلیان گرامی، تنها حسب فرمایش شما و برای اینکه امرتان را اطاعت کرده باشم، من هم با انتخاب واژه‌ی گرو داران بیشتر موافقم. در سال ۱۳۹۶، در مراسم رونمایی از کتاب یاریگری گروداران در

حکمرانی فراگیر آب، به‌طور حضوری از مترجم محترم (جناب آقای دکتر درودیان عضو محترم هیئت‌علمی دانشگاه) شنیدم که این واژه پیشنهاد استاد گران‌قدر حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بوده است. شایان‌ذکر است که در متون آلمانی و به‌ویژه متون سیاست جنگل که به زبان آلمانی نوشته می‌شود از واژه Anspruchsgruppe به‌عنوان مترادف Stakeholder group استفاده می‌شود؛ یعنی گروهی که Anspruch (خواسته، ادعا، داعیه) دارد.

- اگر علوم جنگل و مدیریت جنگل بتولند سرکار خانم مازادی ارجمند، جناب آقای عبادی عزیز (که به‌صراحت نظرهایشان را در همین‌جا اعلام کردند و به‌نوبه‌ی خودم از آن‌ها سپاسگزاری می‌کنم) و دیگر عزیزانی که مانند آن‌ها فکر می‌کنند را به‌طور مستدل بر روی کاغذ و در عمل به این جمع‌بندی برساند که جنگلی را به جامعه تقدیم می‌کند که به آن درجه از پایداری برسد که بتولند علی الابد به تولید چوب و سایر مواهب ادامه دهد (عین جمله استاد گران‌قدرمان جناب آقای دکتر سعید به نقل از سر معدن دار آلمانی در قرن هجدهم Hans Carl Von Carlowitz)، شانسی برای تشکیل ائتلاف مدافع و نجات جنگل‌ها خواهیم داشت. تا زمانی که نتوانیم به هر دلیلی رضایت و تایید این عزیزان را برای توانایی‌مان در دستیابی به جنگل‌هایی پایدار داشته باشیم، امکان تشکیل ائتلاف مدافع از جنگل‌ها هم در عمل وجود نخواهد داشت.
- درود فراوان بر جناب آقای مهندس جباری گرامی، حتی اگر بخش جنگل متحد بود و سند قوی قابل دفاع داشت و کمیسیون حرفی برای گفتن نداشت (همه این‌ها لازم است)، باز کافی نبود و نیست. موضوع اصلی سیاست قدرت است. باید برای نجات جنگل‌ها، منابع طبیعی و محیطزیست کشور ائتلافی از مدافعان (Advocacy Coalition) تشکیل شود. حتی در این صورت هم نتیجه نهایی ستیز قدرت‌ها مشخص نیست. باوجوداین ما مکلف به وظیفه‌ایم.
- مستحضرید که بر اساس راهنمای گفت و شنید در فضای مجازی، چون این سومین پاسخ من به نظرهای ارزشمند جنابعالی است، باید آخرین آن‌ها هم باشد. وزارت‌های فلان و بهمانی که نام بردید در شرایط فعلی حکومت بسته و پهلوان پنبه‌گی سازمان‌ها، راحت‌تر از پس سازمان تنهایی که بیشتر از آنکه متولی منابع طبیعی باشد متصدی امور اراضی است برمی‌آیند تا زمانی که آن خیل عظیمی که نام بردم (گروه‌های جنگلداری، موسسه‌های تحقیقاتی، سمن‌ها و...) در همکاری با متولی منابع طبیعی یک ائتلاف مدافع از منابع طبیعی بسازند. باوجوداین، برای رسیدن به مصالحه و سازش با همدیگر، چندین و چند بار متن‌های شما را خوانده‌ام و باز می‌خوانم تا به‌حکم عقل و توصیه استاد گران‌قدرمان جناب آقای دکتر سعید، تجربه‌های ارزشمندتان را قدر بدانم و بکار بندم. از محضر شما هم خواهش می‌کنم به رویکردهای نوین سیاست‌گذاری توجه بفرمایید. همه‌ی مسائل، میخ نیستند که نیازمند چکش باشند.
- ملت‌ها هم مانند آدم‌ها در جریان رشدشان ابتدا چهار دست‌وپا و بعد تلوتلوخوران و به‌تدریج روی دوپا می‌ایستند. شایسته است مبتنی بر توان موجود برای استقرار تدریجی حکمرانی باز در کشور بر «نیست و نمی‌شودها» غلبه کنیم. باوجوداین همه دانشکده منابع طبیعی، گروه جنگلداری، موسسه تحقیقاتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های تخصصی، شرکت‌های مهندسی مشاور، شرکت‌های پیمانکاری و غیره باید به دوران پهلوان پنبه‌گی سازمان‌ها پایان داد.

قابل دسترسی در دبیرخانه همایش ملی «چشم انداز جنگل‌های کشور؛ تحول مدیریت»:

https://nfc.ut.ac.ir/

۱۴-یادداشت روز جهانی جنگل

ادغام بهتر، جنگل سبزتر

روز یکم فروردین‌ماه سال خورشیدی که مصادف است با ۲۱ مارس سال میلادی، از سال ۲۰۱۲ توسط سازمان ملل متحد به‌عنوان «روز بین‌المللی جنگل‌ها» انتخاب شده است تا فرصتی باشد برای گفتگوی عمومی درباره دستیابی به جنگل‌هایی سرسبزتر.

باوجود افزایش تعداد مراکز دانشگاهی رشته جنگلداری و امکان تحصیل تا مقطع دکتری در بسیاری از آن‌ها و به‌تبع آن افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان، پژوهشگران و پژوهش‌های مرتبط با جنگل‌ها طی دهه‌های اخیر در کشور، وضعیت کمی و کیفی جنگل‌ها مطلوب نیست. به‌طورمعمول باید علم بهتر در زمینه جنگل به سیاست بهتر در این زمینه و جنگل بیشتر و سرسبزتر منجر شود؛ اما در کشورمان، این رابطه برقرار نیست. بسیاری از گزارش‌های رسمی مانند گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و گزارش‌های خبری رسانه‌های کشور حاکی از وضعیت نامطلوب کمی و کیفی جنگل‌های کشور است.

بدیهی است که عواملی مانند افزایش جمعیت، کاهش رشد ناخالص ملی، کاهش درآمد سرانه و تغییر سبک زندگی و کاربری زمین در افزایش تخریب جنگل‌های کشور نقش اصلی را ایفا می‌کنند. باوجود این‌ها اگر علم جنگلداری نتواند در همین شرایط هم به‌طورجدی موثر واقع شود، در عمل به‌تدریج جایگاهش تضعیف و مجبور به تحدید خواهد شد.

برای اجتناب از آینده نامطلوب علم جنگلداری در کشـــور می‌توان مولفه یا مرحله «ادغام» را بین مولفه‌ها و مراحل پژوهش و اجرا تقویت کرد.

ادغام یک فرآیند در دو جهت است. در مرحله ادغام طرفین (پژوهش و اجرا) آنچه را که ممکن است اتفاق بیفتد و آنچه را که از طریق پژوهش و در اجرا می‌تواند انجام شود تصور می‌کنند. ادغام به اهداف عمومی در فرآیند سیاست‌گذاری و منابع قدرت بازیگران سیاسی هم نگاهی دارد. ادغام بسیار نوآورانه است، از آن لحاظ که سوال‌های پژوهش موجود و استدلال‌های موجود در میدان را زیر سوال می‌برد. ادغام، مسایل انتخابی و خاص‌تر را از مرحله اجرا به مرحله پژوهش می‌رساند. پس از یک دوره پژوهش، بحث درباره نتایج میانی (پیش از رسیدن به نتایج پایانی) دو مرتبه در مولفه ادغام، مفید و ضروری است. ا گر پروژه پژوهش طراحی شده، نیازهای بازیگران سیاسی، فرآیند سیاسی یا اهداف عمومی را برآورده نکند، ادغام می‌تولند پرســش‌های علمی یا روش‌ها را با نیازها باز تطبیق دهد. به‌علاوه، نتایج میانی می‌توانند توجه بازیگران سیاسی را که هنوز مشارکت نکرده‌اند، جلب کند.

بعدازآنکه نتایج، چند مرتبه بین پژوهش و ادغام پس‌وپیش شـدند آماده تحویل برای اجرا هسـتند. اطلاعات قابل‌فهم و مبتنی بر علم به بازیگران سـیاسـی داده می‌شـود. برای ادغام، به یک حرفه جدید به‌عنوان «ادغام کننده»، یعنی افرادی که به‌طور موفق پل‌هایی بین دانشمندان و بازیگران سیاسی می‌سازند، نیاز داریم.

به‌طور منطقی در فاز اجرا، دانشـمندان دیگر تاثیر مسـتقیم ندارند. مسـئولیت یک راه‌حل مردم‌سـالارانه، قانونی و موثر برای مسائل اجرایی به عهده نظام سیاسی است. باوجود همه این‌ها تضمینی وجود ندارد که بازیگران سیاسی در اجرا از استانداردهای علمی پیروی کنند. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن این است که موضوع اصلی سیاست یعنی قدرت با موضوع اصلی علم و پژوهش یعنی حقیقت تفاوت فراوان و ماهوی دارد.

باوجوداین، برای دستیابی به سیاست بهتر و جنگل‌های سرسبزتر مراحل چهارگانه‌ای پیشنهاد می‌شوند. مرحله یکم گرد هم آوردن نمایندگان نظرات متفاوت اسـت. کاری که به‌ویژه در سـال‌های اخیر به‌طور انگشـت‌شـمار انجام‌شـده اسـت. حضور نمایندگان نظرات متفاوت نزد مخاطبان و افکار عمومی دومین مرحله است.

تجربه‌های عملی که از این مرحله تاکنون سـراغ داریم، به علت‌های متعددی ازجمله کمبود شـناخت واقعی از رسـانه‌ها تاثیرگذار نبوده‌اند و رضـایت‌بخش نیسـتند. مرحله سـوم، ارائه مختصـات دقیق نظام‌های فکری بدیل درباره جنگل‌های کشور است. روشن شدن مواضع نظام‌های فکری، در همه سطوح از سیاست‌ها تا پروژه‌های پیشنهادی بسیار ضروری اســت. چهارمین، آخرین و مهم‌ترین مرحله تهیه محتواهای ارتباطی برای مخاطبان عمومی اســت. گرامیداشــت روز درختکاری، هفته منابع طبیعی، روز بین‌المللی جنگل‌ها و رویدادهای دیگری ازاین‌دست برای فراهم شدن فرصت ارتباط بیشتر با مخاطبان عمومی لازم است ولی کافی نیست. برای داشتن جنگل‌هایی وسیع‌تر و سرسبزتر به ادغام بیشتر و ارتباط بیشتر با مردم در قالب فرآیندهای سیاسی نیاز داریم.

قابل‌دسترسی در لینک زیر:

http://zistboom.ir/fa/news/36456

۱۵- دانش (نا؟!) بنیانی مدیریت جنگل‌های شمال

دانش بینایی و دانش نابینایی به‌طورکلی شنیدن صدای ارّه موتوری و قطع درختان در جنگل صدایی است که ما آن را دوست نداریم و امیدواریم که این صدا را هیچ موقع ما نشنویم اما قطع و بهره‌برداری از درختان موجود در جنگل انتخاب ما نیست بلکه الزام ما در راستای حفاظت از جنگل‌ها است. درواقع بهره‌برداری چوب یک ضرورت مدیریتی برای ما است ما باید با این رویکرد اکوسیستمی و حفاظت صرف و بهره‌برداری چوب یک نقطه اتصالی به دست بیاریم. یکی از راه‌هایی که به ما خیلی کمک می‌کند جنگلداری مشارکتی است و سازمان جنگل‌ها باید برای بهبود مدیریت جنگل‌های شمال کشور به این فکر باشد که اگر طرح اثرات جنگل نیز درست باشد و درست پیاده شود، بسیار زمان‌بر است و به زمان‌بر بودن زیادش نمی‌ارزد و شاید درگذر زمان قادر نباشیم درستی و راستی آزمایی آن را متوجه شویم (۱۳۹۹/۲/۲۹).

قابل دسترسی در لینک زیر:

https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-1210

۱۶- بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع یا ضروری؟!

به‌طورکلی مردم به جنگل‌ها علاقه دارند، به چوب پول و اشتغال نیز علاقه‌مند و وابسته هستند به‌طورکلی برنامه ششم توسعه بهره‌برداری از جنگل‌های شمال را ممنوع اعلام کرد و امکان مدیریت بر این عرصه‌ها تا این اندازه سخت شد و نظارت نیز بسیار سخت شد اما سوال اینجاست که چطور می‌شود هم از جنگل‌ها حفاظت کرد و هم از آن‌ها بهره‌برداری کرد و ما جنگل‌ها را به‌عنوان ثروت عمومی نگاه می‌کنیم و نیز ما باید بدانیم که عوامل تخریب در جنگل را ما تغییر دادیم با تصویب طرح استراحت جنگل و ما هیچ‌گاه آن علل تخریبی را منهدم نکردیم و از بین بردیم و صرفاً آن‌ها را تغییر دادیم (۱۳۹۹/۳/۳).

قابل دسترسی در لینک زیر:

https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-1246

تشکر و قدردانی

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

در پایان بر خود واجب می دانیم از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر مجید لطفعلیان، جناب آقای دکتر مهرداد نیکوی، جناب آقای دکتر اکبر نجفی ، جناب آقای دکتر محمد عواطفی همت، جناب آقای دکتر احمد برومند، جناب آقای دکتر رحیم ملک‌نیا و سرکار خانم رژینا بیات و سرکار خانم لیلا مرگن و سایر عزیزانی که در گردآوری مطالب این اثر همکاری نموده و با راهنمایی های ارزشمند خود ما را یاری نمودند تقدیر و تشکر نماییم .

روح آن استاد بزرگ و همکار گران قدر شاد و راهش پررهرو باد.

پیوست (رزومه[1])

۱- مشخصات فردی و اطلاعات تماس

نام و نام خانوادگی: محمد پیر صوفی املشی متولد: سال ۱۳۴۹ در شیراز

تلفن همراه: ۰۹۳۰۹۴۲۶۸۰۳ رایانامه: pirsoufi @ yahoo.com

۲- سوابق آموزشی

۱. دیپلم علوم تجربی – دبیرستان شهدای سپاه پاسداران – شیراز – ۱۳۶۷

۲. کارشناسی جنگلداری – دانشگاه گیلان – ۱۳۷۲

۳. کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی (جنگلداری) – دانشگاه تربیت مدرس – ۱۳۷۷

۴. دانشجوی دکتری سیاست جنگل دانشگاه فنی TUD درسدن آلمان – ادامه دارد.

۳- سوابق مطالعاتی و پژوهشی و رسانه‌ای

۱. جنگل‌های استان فارس–درس یک واحدی سمینار دوره کارشناسی جنگلداری دانشگاه گیلان – ۱۳۷۲

۲. بررسی وضعیت آموزش پیش از خدمت کارکنان ترویج منابع طبیعی در کشور – نخستین همایش ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان – ۱۳۷۴

۳. جنگلداری اجتماعی–درس یک واحدی سمینار یک دوره کارشناسی ارشد جنگلداری دانشگاه گیلان – ۱۳۷۶

۴. نقش زنان در جنگلداری اجتماعی– درس یک واحدی سمینار دو کارشناسی ارشد جنگلداری – ۱۳۷۶

۵. تحلیل تغییر وضعیت اقتصادی – اجتماعی خانوارهای اسکان یافته در طرح ساماندهی و خروج دام حوزه یک آبخیز آستارا – پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس با راهنمایی جناب آقای دکتر ارسطو سعید و مشاوره سرکار خانم دکتر شادی طلب از اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه تهران – ۱۳۷۷

۶. تهیه و تولید صدها خبر و ده‌ها گزارش رادیویی و تلویزیونی در موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی.

۷. تهیه طرح جامع کمربند سبز پیرامون شهر تهران با راهنمایی پروفسور علی یخکشی –۱۳۸۱

۸. ارزیابی، مطالعه و بررسی گونه‌های گیاهی و انتخاب گونه‌های مناسب گیاهی سازگار با شرایط آب و هوایی شهر تهران– با همکاری پردیس ابوریحان دانشگاه تهران.

۹. گفتمان جنگل در اینترنت (Der Walddiskurs im Internet) – رساله دکتری سیاست جنگل دانشگاه فنی درسدن آلمان – ادامه دارد.

۱۰. آینده پژوهی گروه مجلات همشهری – موسسه همشهری – ۱۳۹۶

۱۱. آینده پژوهی سینمای ایران – سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی – ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

---

۱ این رزومه توسط زنده یاد دکتر پیرصوفی تهیه شده و ممکن است اخیرا به‌روز رسانی نشده باشد.

٤- سوابق تدریس

۱. تدریس دروس سیاست جنگل، اقتصاد جنگل و قوانین و مدیریت منابع طبیعی در دانشگاه لرستان – از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴

۲. تدریس درس اقتصاد جنگل در دانشگاه مازندران – ۱۳۸۳

۳. تدریس آسیب شناسی خبر برای اداره کل روابط عمومی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و روابط عمومی اداره‌های کل منابع طبیعی و آبخیزداری کشور – ۱۳۷۹

۴. تدریس مدیریت فضای سبز برای سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان‌های بوشهر و کرمان – ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

۵- سوابق برنامه ریزی

۱. برنامه‌های سالانه و پنج ساله مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان بوشهر – ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

۲. برنامه‌های سالانه و پنج ساله سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران – ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴

۳. برنامه پنجساله سوم شهرداری تهران در بخش فضای سبز ۴. اینده پژوهی سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران – در دست تهیه

۸- سمت‌ها

۱. نماینده دانشجویان رشته جنگلداری دانشگاه گیلان – ورودی ۱۳۶۸

۲. نماینده دانشجویان دانشکده‌های منابع طبیعی و علوم دریایی دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶

۳. معاون مالی اداری مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان بوشهر – ۱۳۷۶

۴. معاون پژوهشی مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان بوشهر – ۱۳۷۷

۵. خبرنگار گروه اقتصادی واحد مرکزی خبر (خبرگزاری صدا وسیما) – ۱۳۸۰– ۱۳۷۷

۶ . کارشناس ارشد صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی وزارت کار و امور اجتماعی – ۱۳۸۰

۷. معاون فضای سبز سازمان بوستانها و فضای سبز شهر تهران – ۱۳۸۱

۸. معاون آموزش و پژوهش سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران – ۱۳۸۴ – ۱۳۸۲

۹. مشاور پژوهشی سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران – در حال حاضر

۱۰. پژوهشگر بنیاد توسعه فردا – در حال حاضر